

بررسی مقایسه‌ای نرخ تورم در تهران و دیگر استان‌ها



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بررسی مقایسه‌ای نرخ تورم در تهران و دیگر استان‌ها

مریم السادات علم‌الهدی

**از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:**

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاماً مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

مرداد ماه ۱۴۰۵



خلاصه مدیریتی

داده‌های منتهی به تیر ۱۴۰۵ نشان‌دهنده شکاف تورمی بین مناطق مختلف کشور است. خانوارهای روستایی همواره تورم بالاتری را نسبت به خانوارهای شهری تجربه کرده‌اند. به عنوان مثال نرخ تورم سالانه در تیر ۱۴۰۵ برای مناطق روستایی ۷۷.۹ درصد و برای مناطق شهری ۶۴ درصد بوده است. علاوه بر این تورم استان تهران به صورت مداوم پایین‌تر از میانگین کشوری است به طوری که نرخ تورم سالانه خانوارهای استان تهران در تیر ۱۴۰۵ برابر ۵۵.۲ درصد بوده که ۱۰.۸ واحد درصد کمتر از میانگین کل کشور است.

تفاوت نرخ تورم بین استان‌های کشور به معنای گران‌تر شدن واقعی کالاها در یک استان نسبت به استان دیگر یا نشان‌دهنده ضعف عملکرد نظارتی مدیران در تنظیم بازار نیست. وزن و اهمیت گروه‌های کالایی در سبد خرید استان‌ها متفاوت است. سهم گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در سبد هزینه‌ای خانوارهای تهرانی کمترین میزان در کل کشور (حدود ۲۱.۹۱ درصد) است و تمرکز هزینه خانوارهای استان تهران بر کالاهای غیرخوراکی و خدمات است. در مقابل، در استان‌های کمتر توسعه‌یافته (مانند ایلام با ضریب ۳۹.۸۶ درصد)، خانوارها بخش بزرگتری از درآمد خود را صرف خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات می‌کنند. از آنجا که در سال‌های اخیر تورم این گروه صعودی بوده و نرخ سالانه آن در تیر ۱۴۰۵ به ۹۷.۸ درصد رسیده است، استان‌های کم‌درآمدتر تورم بالاتری را تجربه کرده‌اند.

تفاوت ضرایب اهمیت در گروه‌های درآمدی نیز دیده می‌شود. دهک اول ۴۲.۴ درصد از هزینه‌های خود را صرف تأمین خوراک می‌کند در حالی که این رقم برای دهک دهم ۲۱.۶ درصد است. در نتیجه، جهش قیمتی مواد غذایی، تورم بیشتری را بر دهک‌های پایین درآمدی تحمیل می‌کند.

در ایران جهش‌های مکرر نرخ ارز که باعث افزایش هزینه مواد اولیه، تأمین کالاهای واسطه‌ای و نهاده‌های وارداتی تولید شده است. بنگاه‌های اقتصادی برای حفظ حاشیه سود، این هزینه‌ها را به قیمت نهایی کالاها منتقل کرده‌اند که این امر منجر به بروز رکود تورمی شده است. علاوه بر این، کسری بودجه دولت، در کنار رشد نقدینگی که در ۵ سال بیش از ۳ برابر شده است موجب شده رشد حجم پول بیش از رشد تولید واقعی اقتصاد باشد و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش داده است.

بر این اساس باید گفت در سطح ملی، اعمال سیاست‌های انضباط پولی از سوی بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی، مدیریت کسری بودجه دولت و کنترل نوسان نرخ ارز برای کاهش تورم ناشی از فشار هزینه ضروری است. در سطح استانی نیز از آنجا که الگوی مصرف خانوارها در استان‌های مختلف تفاوت دارد می‌توان سیاست‌های جبرانی از قبیل توزیع یارانه‌ها و حمایت‌های دولتی را با استفاده از پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، متناسب با نیازها و سبد مصرفی هر استان طراحی کرد. با توجه به آسیب‌پذیری دهک‌های پایین از تورم خوراکی‌ها، لازم است تمرکز سیاست‌های حمایتی بر تأمین امنیت غذایی دهک‌های اول تا پنجم قرار گیرد.



Executive Summary

Data ending in Tir 1405 (July 2026) shows an inflation gap between different regions of the country. Rural households have always experienced higher inflation compared to urban households. For example, the annual inflation rate in Tir 1405 (July 2026) was 77.9% for rural areas and 64% for urban areas. In addition, the inflation in Tehran province is constantly lower than the national average, so that the annual inflation rate for Tehran households in Tir 1405 (July 2026) was 55.2%, which is 10.8 percentage points lower than the country's total average.

The difference in inflation rates between the country's provinces does not mean that goods actually become more expensive in one province compared to another, nor does it show the poor regulatory performance of managers in controlling the market. The weight and importance of commodity groups in the shopping basket of provinces are different. The share of the "food, beverages, and tobacco" group in the expense basket of Tehran households is the lowest in the whole country (about 21.91%), and the cost focus of Tehran households is on non-food goods and services. In contrast, in less developed provinces (like Ilam with a coefficient of 39.86%), households spend a larger part of their income on food, beverages, and tobacco. Since the inflation of this group has been rising in recent years and its annual rate reached 128.1 in Tir 1405 (July 2026), lower-income provinces have experienced higher inflation.

Differences in importance coefficients are also seen in income groups. The first decile spends 42.4% of its costs on providing food, while this figure is 21.6% for the tenth decile. As a result, the price jump of food items puts a heavier inflation pressure on lower-income deciles.

In Iran, frequent currency rate jumps have caused an increase in the cost of raw materials, the supply of intermediate goods, and imported production inputs. To keep their profit margins, businesses have passed these costs to the final price of goods, which has led to stagflation. In addition, the government's budget deficit, along with the growth of liquidity which has more than tripled in 5 years, has caused the money supply growth to be more than the real production growth of the economy, and as a result, it has increased the general level of prices.

Based on this, it must be said that at the national level, applying monetary discipline policies by the Central Bank to control liquidity, managing the government budget deficit, and controlling currency rate fluctuations are necessary to reduce inflation caused by cost pressure. Also, at the provincial level, since the consumption pattern of households is different in various provinces, compensatory policies such as distributing subsidies and government support can be designed using the Iranian Welfare Information Database, according to the needs and consumption basket of each province. Considering the vulnerability of lower deciles to food inflation, it is necessary to focus support policies on providing food security for the first to fifth deciles.



فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
۱- مقدمه.....	۱
۲- تعاریف و مفاهیم.....	۲
۳- عوامل ایجادکننده تورم.....	۴
۳-۱- تورم ناشی از فشار تقاضا.....	۴
۳-۲- تورم ناشی از فشار هزینه.....	۶
۳-۳- عوامل پولی تورم.....	۷
۴- تورم چگونه اندازه گیری می شود؟.....	۹
۵- بررسی روندهای تورم.....	۱۰
۵-۱- نرخ تورم سالانه.....	۱۰
۵-۲- نرخ تورم نقطه به نقطه.....	۱۳
۵-۳- تورم ماهانه.....	۱۵
۶- بررسی تورم گروه های اصلی.....	۱۸
۶-۱- گروه خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات.....	۱۸
۶-۲- گروه کالاهای غیر خوراکی و خدمات.....	۲۰
۷- ضرایب اهمیت و سبد مصرفی دهک ها و استان ها.....	۲۶
۸- پاسخ به چند پرسش.....	۲۹
۹- جمع بندی و نتیجه گیری.....	۳۲
۱۰- منابع.....	۳۳

فهرست جعبه ها

عنوان	شماره صفحه
جعبه ۱- تفاوت تورم با شوک قیمت.....	۳
جعبه ۲- مفهوم قیمت مصرف کننده.....	۹
جعبه ۳- کاهش تورم در برابر کاهش سطح عمومی قیمت ها.....	۱۰
جعبه ۴- دهک های هزینه ای.....	۲۶

فهرست شکل ها

عنوان	شماره صفحه
شکل ۱- مقایسه نرخ تورم سالانه در بین استان های کشور در تیر ۱۴۰۵ بر حسب درصد.....	۲



فهرست نمودارها

شماره صفحه

عنوان

نمودار ۱- روند رشد مخارج مصرف نهایی خصوصی و دولتی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰) بر حسب درصد.....	۵
نمودار ۲- رشد میانگین سالانه قیمت دلار بر حسب درصد.....	۷
نمودار ۳- رشد سالانه حجم نقدینگی بر حسب درصد.....	۸
نمودار ۴- نرخ تورم سالانه کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۱۱
نمودار ۵- مقایسه نرخ تورم سالانه کل کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۱
نمودار ۶- مقایسه نرخ تورم سالانه خانوارهای شهری کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۲
نمودار ۷- مقایسه نرخ تورم سالانه خانوارهای روستایی کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۲
نمودار ۸- نرخ تورم نقطه به نقطه کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۱۳
نمودار ۹- مقایسه نرخ تورم نقطه به نقطه کل کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۴
نمودار ۱۰- مقایسه نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای شهری کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۴
نمودار ۱۱- مقایسه نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای روستایی کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۵
نمودار ۱۲- نرخ ماهانه کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۱۶
نمودار ۱۳- مقایسه نرخ تورم ماهانه کل کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۶
نمودار ۱۴- مقایسه نرخ تورم ماهانه خانوارهای شهری کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۷
نمودار ۱۵- مقایسه نرخ تورم ماهانه خانوارهای روستایی کشور و استان تهران بر حسب درصد.....	۱۷
نمودار ۱۶- نرخ تورم سالانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۱۸
نمودار ۱۷- نرخ تورم نقطه به نقطه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۱۹
نمودار ۱۸- نرخ تورم ماهانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۱۹
نمودار ۱۹- نرخ تورم سالانه گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۲۰
نمودار ۲۰- نرخ تورم نقطه به نقطه گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد.....	۲۱
نمودار ۲۱- نرخ تورم ماهانه گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد..	۲۱
نمودار ۲۲- رتبه تورم سالانه زیرگروه‌های کالاهای غیر خوراکی و خدمات در مناطق شهری بر حسب درصد.....	۲۴
نمودار ۲۳- رتبه تورم سالانه زیرگروه‌های کالاهای غیر خوراکی و خدمات در مناطق روستایی بر حسب درصد.....	۲۴
نمودار ۲۴- نرخ تورم سالانه خانوارهای کل کشور به تفکیک دهک‌های اول و دهم بر حسب درصد.....	۲۶
نمودار ۲۵- ضرایب اهمیت گروه‌های اصلی به تفکیک استان.....	۲۸



فهرست جدول‌ها

شماره صفحه

عنوان

- جدول ۱- نرخ تورم سالانه زیرگروه‌های گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به تفکیک مناطق بر حسب درصد ۲۵
- جدول ۲- ضرایب اهمیت گروه‌های اصلی به تفکیک دهک‌های منتخب ۲۸
- جدول ۳- میانگین هزینه سالانه خانوارها به تفکیک منطقه و دهک در سال ۱۴۰۳ بر حسب میلیون تومان ۲۹



۱- مقدمه

نرخ تورم و تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده از مهم ترین شاخص های کلان اقتصادی است که بر سطح رفاه و قدرت خرید خانوارها تأثیر می گذارد. آخرین آمار نرخ تورم مربوط به تیر ۱۴۰۵ است که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده است. بررسی این گزارش نشان می دهد تورم در سطح استان های کشور دارای تفاوت قابل توجهی است. این تفاوت در خصوص استان تهران با دیگر استان ها، چشمگیرتر است.

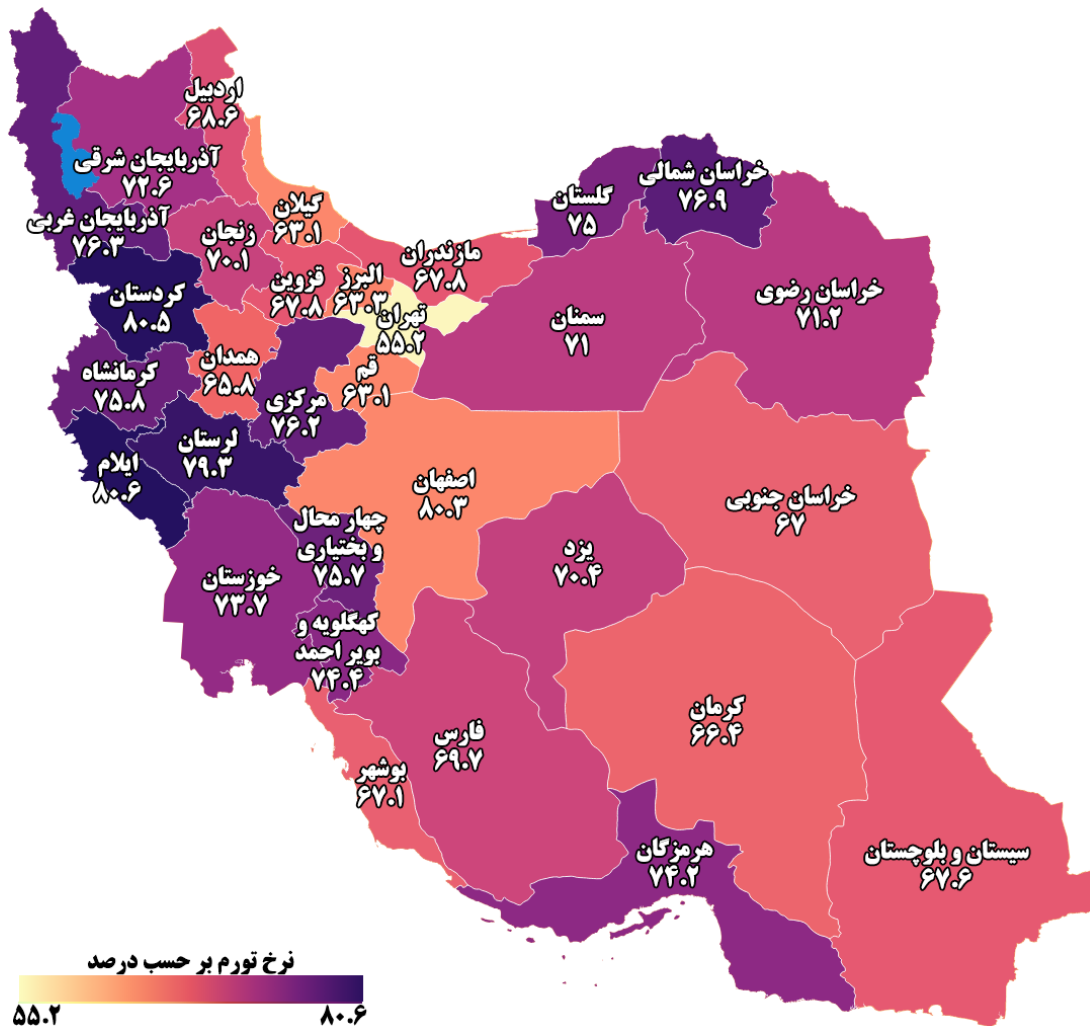
نرخ تورم سالانه استان تهران در تیر ۱۴۰۵ به ۵۵.۲ درصد رسیده که برای ششمین ماه متوالی، کمترین نرخ تورم سالانه در میان استان های کشور بوده است. در شکل ۱ می توان نرخ تورم سالانه را در استان های کشور مقایسه کرد. همچنین تهران برای دهمین ماه متوالی در تیر ۱۴۰۵، کمترین نرخ تورم نقطه به نقطه را در مقایسه با سایر استان ها داشته است.

داده های نرخ تورم نشان می دهد نرخ تورم در استان تهران تقریباً به طور مداوم پایین تر از میانگین کشوری و در مقایسه با اکثر استان ها در سطوح پایین تری قرار دارد. بنابراین این پرسش مطرح می شود که چرا نرخ تورم در استان تهران در مقایسه با سایر استان ها کمتر است؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا تعاریف و مفاهیم مرتبط با تورم مرور می شود و پس از آن، عوامل ایجادکننده تورم معرفی می شوند. سپس روندهای تورم سالانه، نقطه به نقطه و ماهانه در مقیاس کشوری، مناطق شهری و روستایی و استان تهران مورد بررسی قرار می گیرد. سپس تورم در دو گروه عمده «خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات» و «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» بررسی می شود. پس از آن، نرخ تورم در استان های مختلف کشور مقایسه می شود.



شکل ۱- مقایسه نرخ تورم سالانه در بین استان‌های کشور در تیر ۱۴۰۵ بر حسب درصد



۲- تعاریف و مفاهیم

تورم یکی از مفاهیم اقتصادی است که به عنوان افزایش مستمر و همه گیر سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در یک اقتصاد تعریف می شود. در واقع، تورم نشان دهنده یک روند پایدار و فراگیر است که در آن هزینه زندگی و تأمین سبد مصرفی در یک کشور به صورت مداوم بالا می رود. تورم یک اتفاق گذرا نیست و فرآیندی است که گستره وسیعی از کالاها و خدمات را در سطح اقتصاد در بر می گیرد.



جعبه ۱- تفاوت تورم با شوک قیمت

تورم را نمی توان با افزایش قیمت یک یا چند کالای خاص، مانند مسکن یا یک محصول کشاورزی خاص، اندازه گیری کرد. ویژگی بارز تورم در دو رکن اساسی «عمومی بودن» در بیشتر کالاها و «تداوم» در طول زمان است که آن را از نوسانات و شوک های قیمتی گذرا متمایز می کند. به عنوان مثال، اگر قیمت یک کالا به دلیل اختلال موقت در زنجیره تامین یا شرایط جوی نامساعد به صورت مقطعی افزایش یابد، این یک شوک قیمتی است نه تورم.

ملموس ترین و مهم ترین پیامد این افزایش مداوم قیمت ها برای خانوارها و کسب و کارها، کاهش مستمر قدرت خرید پول است. این یعنی وقتی تورم در اقتصاد بالا می رود، با یک مقدار ثابت از پول، توانایی خرید کالاها و خدمات کمتری را نسبت به گذشته خواهیم داشت. در واقع تورم باعث افت پنهان ارزش سرمایه نقدی می شود و قدرت خرید و درآمد واقعی افراد و سازمان ها را در طول زمان کاهش می دهد. این کاهش قدرت خرید یک هزینه های پنهان است که بر تصمیمات مصرف، پس انداز و بودجه بندی تاثیر می گذارد.

اقتصاددانان برای درک بهتر اثر تورم بر فضای کسب و کار و تصمیم گیری های مالی، آن را بر اساس سرعت و شدت افزایش قیمت ها به سه دسته تقسیم می کنند. که شامل موارد زیر است:

۱. تورم خفیف: این نوع تورم به معنای افزایشی آرام، ملایم و معمولاً تک رقمی در سطح عمومی قیمت ها در طول یک سال است. به دلیل سرعت پایین رشد قیمت ها، این نوع تورم برای مدیران و فعالان اقتصادی پیش بینی پذیر است و اختلالی در برنامه ریزی های بلندمدت سازمان ها ایجاد نمی کند. از منظر اقتصاد کلان، وجود یک تورم پایین، باثبات و پیش بینی پذیر به عنوان محرکی برای اقتصاد عمل می کند و با ایجاد انگیزه برای خرید زود هنگام، باعث رونق فعالیت های تجاری و تولیدی می شود. به همین دلیل است که بسیاری از سیاست گذاران پولی در کشورهای توسعه یافته، نرخ تورم هدف خود را در محدوده ای تک رقمی مثلاً بین ۲ تا ۳ درصد در سال تعیین می کنند تا از مزایای این تحریک اقتصادی بهره مند شوند.

۲. تورم شدید: در این حالت، اقتصاد با رشد قیمتی سریع تر و شدیدتری مواجه می شود که معمولاً نرخ های دورقمی حدود بالای ۱۰ درصد در سال را تجربه می کند. مهم ترین چالش در این شرایط، کاهش شدید پیش بینی پذیری متغیرهای مالی، جریان های نقدی و هزینه های تولید است (منکیو، ۲۰۲۲). در محیطی با تورم دورقمی و نوسان دار، تنظیم قراردادهای



بلندمدت با تامین کنندگان و مشتریان پرریسک می شود و عملکرد طبیعی و کارایی عملیاتی اقتصاد با مشکل مواجه می شود. در تورم شدید، کسب و کارها باید بخش عمده ای از توجه خود را به جای توسعه کسب و کار، صرف مدیریت نقدینگی و پوشش ریسک از دست رفتن ارزش سرمایه کنند.

۳. تورم بسیار شدید یا لجام گسیخته: زمانی که رشد قیمت ها بسیار سریع، غیرقابل کنترل و بیش از ۵۰ درصد در ماه یا ارقام سه رقمی و چهاررقمی در سال باشد، اقتصاد با تورم لجام گسیخته مواجه است. در چنین وضعیتی، بی اعتمادی نسبت به پول ملی در میان مردم و فعالان اقتصادی شکل می گیرد. پیامد این بی اعتمادی آن است که پول ملی کارکرد اساسی خود را به عنوان ذخیره ارزش از دست می دهد و ساختار اقتصاد به سمت مبادلات پایاپای یا کالا به کالا و یا استفاده از ارزهای خارجی حرکت می کند. نمونه های تاریخی این پدیده را می توان در اقتصاد کشورهای مانند آلمان در دهه ۱۹۲۰ یا زیمبابوه در سال ۲۰۰۸ مشاهده کرد که در آنها تورم لجام گسیخته باعث فروپاشی نظام پولی و توقف برنامه ریزی کسب و کارها شد.

۳- عوامل ایجادکننده تورم

۳-۱- تورم ناشی از فشار تقاضا

این نوع تورم زمانی رخ می دهد که مجموع تقاضای کل برای خرید کالاها و خدمات در یک اقتصاد، از میزان عرضه و ظرفیت تولید آن کشور، بیشتر شود. وقتی حجم پول و تمایل به خرید در میان بخش های مختلف اقتصاد زیاد باشد اما کالای کافی برای پاسخگویی به این نیاز فزاینده تولید نشده باشد، این عدم تعادل خود را به شکل افزایش مداوم قیمت ها نشان می دهد. در این شرایط، خریداران برای به دست آوردن کالاهای محدود با یکدیگر رقابت می کنند و تولیدکنندگان نیز با مشاهده این تقاضا، قیمت نهایی محصولات و خدمات خود را بالا می برند. بروز چنین اضافه تقاضایی در سطح اقتصاد کلان، معمولاً ریشه در چند عامل اصلی دارد:

۱. افزایش مخارج مصرفی بخش خصوصی: خانوارها به دلایلی مانند کاهش هزینه های استقراض بانکی، رشد دستمزدها یا خوش بینی به آینده، مخارج مصرفی خود را افزایش می دهند. وقتی پول برای خرید کالاها وارد بازار می شود، تقاضای کل تحریک و زمینه برای جهش قیمت ها ایجاد می شود.

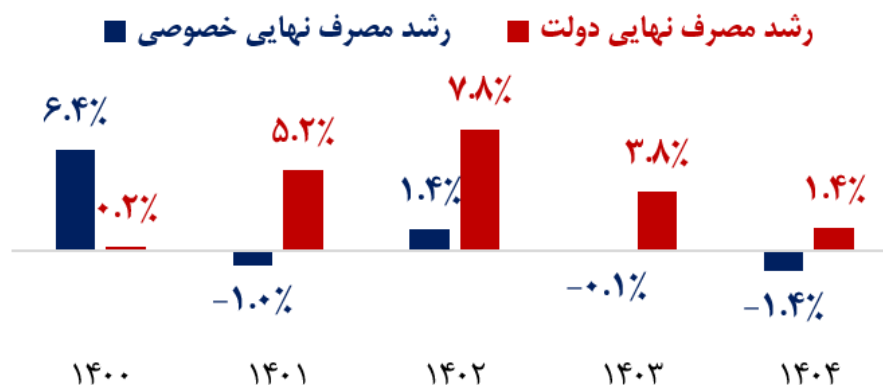


۲. افزایش مخارج دولت: عامل دیگر که به ویژه در کشورهای صادرکننده نفت ملموس و تعیین کننده است، افزایش شدید مخارج دولتی است که یکی از اجزای اصلی تقاضای کل اقتصاد محسوب می شود. در اقتصادی مانند ایران، تزریق درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت به اقتصاد، باعث ایجاد قدرت خرید جدیدی می شود که ممکن است زیرساخت های تولیدی نتوانند با سرعت آن را جذب کنند. یعنی تولید متناسب با این درآمدها، وارد بازار نشود. این موضوع به تقاضای مازاد و تورم منجر می شود.

۳. کسری بودجه: کسری بودجه دولت یکی از ریشه های بروز تورم فشار تقاضا است. زمانی که درآمدهای مالیاتی و پایدار دولت برای پوشش هزینه های آن کافی نباشد، دولت با کسری بودجه مواجه شده و برای تامین این کسری به روش های تورمزا رو می آورد. جبران این کسری معمولاً از طریق سیاست های پولی انبساطی مانند چاپ پول یا استقراض از بانک مرکزی صورت می گیرد که باعث رشد نقدینگی می شود. این موضوع با تقویت تقاضای کل، ارزش پول ملی را کاهش می دهد.

بررسی نرخ رشد اجزای تقاضا به قیمت های ثابت سال ۱۴۰۰ در نمودار ۱ طی سال های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ نشان می دهد تقاضای کل از سمت بخش عمومی در حال انبساط است. همچنین تقاضای بخش خصوصی در این دوره به جز سال ۱۴۰۲، در حال کاهش بوده است. پس نمی توان گفت طی دوره مورد بررسی، مخارج مصرفی بخش خصوصی محرک تورم بوده اند.

نمودار ۱- روند رشد مخارج مصرف نهایی خصوصی و دولتی (به قیمت های ثابت سال ۱۴۰۰) بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران



۲-۳- تورم ناشی از فشار هزینه

نوع دوم تورم، تورم ناشی از فشار هزینه است که ریشه در سمت عرضه و تولید اقتصاد دارد. تورم فشار هزینه زمانی رخ می‌دهد که هزینه‌های تولید کالاها و خدمات برای بنگاه‌های اقتصادی به طور مستمر و چشمگیری افزایش پیدا کند. در چنین شرایطی، تولیدکنندگان که با افزایش هزینه‌های تمام‌شده مواجه شده‌اند، برای حفظ حاشیه سود خود مجبور می‌شوند قیمت نهایی محصولات و خدمات را بالا ببرند.

تفاوت این نوع تورم با تورم فشار تقاضا در این است که در اینجا میزان تقاضای خریداران تغییری نکرده است، بلکه به دلیل گران‌تر شدن تولید، توان عرضه کالاها کاهش یافته است و قیمت‌ها صعودی می‌شوند. عواملی که باعث افزایش هزینه‌های تولید و بروز این نوع تورم می‌شود، شامل موارد زیر است:

۱. افزایش قیمت مواد اولیه و انرژی: یکی از رایج‌ترین دلایل بروز فشار هزینه، گران شدن مواد خام، حامل‌های انرژی و نهاده‌های پایه‌ای تولید در سطح بازارهای داخلی یا جهانی است. در اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران که ساختار تولید در آن به واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات وابستگی دارد، جهش‌های مداوم نرخ ارز با تأثیری که بر افزایش قیمت مواد اولیه می‌گذارد، یکی از عوامل تورم فشار هزینه محسوب می‌شود.

۲. افزایش دستمزدها: هزینه‌های مرتبط با نیروی کار و دستمزد پرداختی به کارکنان، بخشی از هزینه‌های عملیاتی هر کسب‌وکاری را به خود اختصاص می‌دهد. اگر دستمزدهای اسمی پرداختی سریع‌تر از میزان رشد بهره‌وری نیروی کار افزایش پیدا کند، بنگاه‌ها برای جبران این بار مالی اضافی، قیمت محصولات خود را بالا می‌برند.

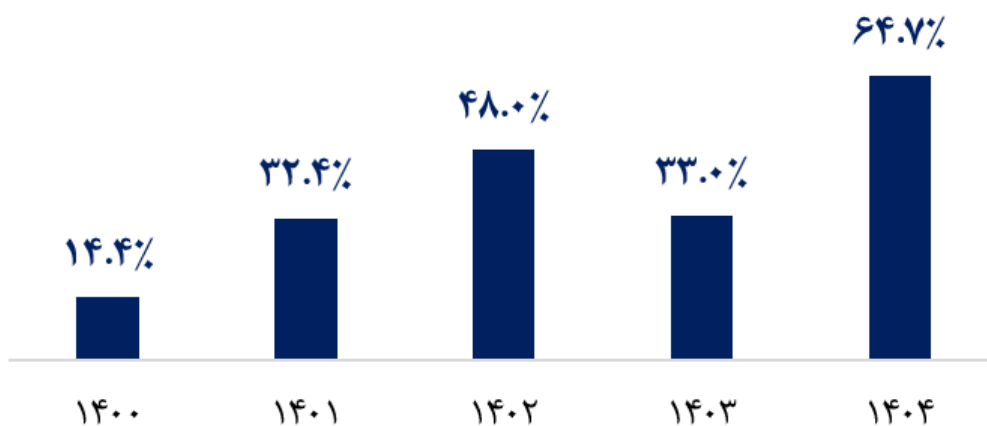
۳. شوک‌های عرضه و اختلال در زنجیره تأمین: هر رویداد پیش‌بینی‌نشده‌ای که به طور ناگهانی در فرآیند تأمین مواد اولیه اختلال ایجاد کند، به عنوان یک شوک منفی در سمت عرضه عمل می‌کند و با ایجاد محدودیت در دسترسی به کالاها، هزینه‌های تأمین افزایش می‌دهد. علاوه بر این، تکانه‌های خارجی مانند تحریم‌های بین‌المللی و جنگ، با ایجاد محدودیت در دسترسی به کالاهای واسطه‌ای وارداتی و افزایش هزینه‌های مبادلات بانکی و تجاری، زنجیره تأمین کالا را مختل می‌کند و موجب تورم فشار هزینه می‌شود.

تورم ناشی از فشار هزینه، با کاهش سطح تولید و افت فروش بنگاه‌های اقتصادی همراه است که به آن رکود تورمی گفته می‌شود.



بررسی داده‌های نرخ ارز در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ در نمودار ۲ نشان‌دهنده روند صعودی نرخ دلار است که رشدهای سالانه آن از ۱۴.۴ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۶۴.۷ درصد در سال ۱۴۰۴ رسید. قیمت هر دلار در سال ۱۴۰۰ به طور میانگین حدود ۲۶ هزار تومان بود که در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۱۳ هزار تومان رسید. زمانی که بنگاه‌های اقتصادی با چنین جهش‌های ارزی و در نتیجه، افزایش در هزینه‌های تامین مواد اولیه خارجی مواجه می‌شوند، برای حفظ بقای عملیاتی و حاشیه سود خود ناچارند این هزینه‌های اضافی را به قیمت محصولات نهایی افزوده و به مصرف‌کننده منتقل کنند. این موضوع، تورم فشار هزینه را به دنبال دارد که قدرت خرید مصرف‌کنندگان را از بین می‌برد و نیز با افزایش نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش، اقتصاد را وارد رکود تورمی می‌کند.

نمودار ۲- رشد میانگین سالانه قیمت دلار بر حسب درصد



منبع: شبکه اطلاع رسانی طلا و ارز

۳-۳- عوامل پولی تورم

در کنار عوامل سمت تقاضا و فشارهای سمت هزینه، یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های تورم متغیرهای پولی و تغییرات حجم نقدینگی است. بر اساس نظریات مکتب پولیون و به ویژه میلتون فریدمن، تورم در بلندمدت همیشه و در همه جا یک پدیده پولی است. مفهوم این نظریه این است که اگر بانک مرکزی یا دولت، حجم پول در گردش را سریع‌تر از رشد تولید واقعی اقتصاد افزایش دهند با افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها مواجه خواهیم شد.

دلیل بروز این نوع تورم این است که پول زیاد به دنبال کالای کم حرکت می‌کند یعنی رشد نامتناسب با تولید واقعی عرضه پول، باعث می‌شود افراد، بنگاه‌ها و دولت پول بیشتری برای خرج کردن در اختیار داشته باشند، در حالی که متناسب

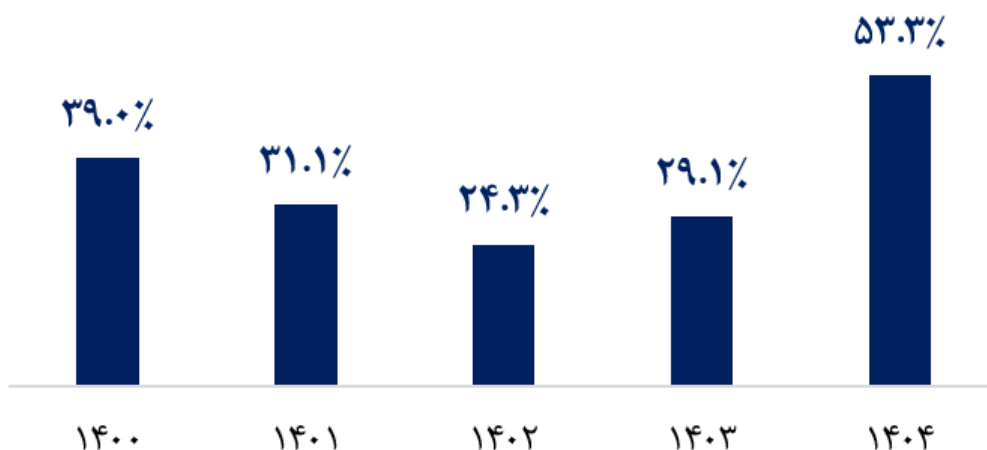


با این پول، کالا و خدمات بیشتری در بخش واقعی اقتصاد خلق و تولید نشده است. در این شرایط، با توجه به اینکه سرعت گردش پول و سطح تولید واقعی اقتصاد در کوتاه مدت معمولاً باثبات هستند، ورود این حجم پول به بازارها به همان نسبت به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود تا اقتصاد دوباره به تعادل برسد.

یکی از محرک‌های اصلی این رشد نامتناسب نقدینگی، ناترازی‌ها و کسری بودجه دولت‌ها است. زمانی که دولت‌ها برای تأمین هزینه‌های خود به استقراض از بانک مرکزی روی می‌آورند، این کسری بودجه به ترازنامه بانک مرکزی منتقل می‌شود و با افزایش پایه پولی، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. افزایش درآمدهای بنگاه‌های اقتصادی در چنین شرایطی ناشی از رشد واقعی کسب و کار نیست و به عنوان بازتابی از کاهش مستمر ارزش پول ملی تلقی می‌شود. این تزریق پول تاثیر مثبتی بر متغیرهای واقعی اقتصاد مانند تولید و اشتغال ندارد.

بر اساس نمودار ۳ حجم نقدینگی از ۴,۸۳۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۱۵,۵۸۱ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است. این یعنی حجم پول در گردش اقتصاد در پنج سال، بیش از ۳ برابر شده است. همانطور که گفته شد بر اساس نظریه مقداری پول، اگر رشد نقدینگی متناسب با ظرفیت تولید واقعی اقتصاد نباشد، منجر به تورم می‌شود.

نمودار ۳- رشد سالانه حجم نقدینگی بر حسب درصد



منبع: بانک مرکزی



۴- تورم چگونه اندازه گیری می شود؟

نرخ تورم نشان دهنده درصد تغییرات قیمت سبد مشخصی از کالاها و خدمات در طول یک دوره زمانی معین، نسبت به یک دوره مرجع یا سال پایه است. مسئولیت محاسبه و انتشار نرخ تورم در ایران، با مرکز آمار است. در این محاسبات، از ابزارها و مفاهیم خاصی استفاده می شود که در ادامه مرور می شوند.

نخستین مفهوم، شاخص قیمت مصرف کننده یا CPI است. این شاخص میانگین موزون یا متوسط تغییرات قیمت در کالاها و خدمات مصرفی خانوارها را نسبت به یک زمان مشخص اندازه گیری می کند. در شاخص قیمت مصرف کننده، یک سبد ثابت از کالاها و خدماتی که معمولاً توسط خانوارها خریداری می شود تعیین شده و هزینه تهیه آن در طول زمان رصد می شود.

جعبه ۲- مفهوم قیمت مصرف کننده

جعبه قیمت مصرف کننده، معادل کل مبلغی است که خریدار برای به دست آوردن یک کالا یا خدمت معین پرداخت می کند. این قیمت نهایی همه هزینه هایی است که باید پرداخت شود تا کالا یا خدمت مورد نظر در زمان و مکان دلخواه به خریدار تحویل داده شود.

مفهوم دیگر، ضرایب اهمیت کالاها و خدمات است. همان طور که در تعریف شاخص قیمت مصرف کننده گفته شد، این شاخص، یک میانگین موزون است. این وزن ها با عنوان ضریب اهمیت شناخته می شوند که نشان دهنده سهم و جایگاه هر کالا یا خدمت در کل مجموعه کالاهای سبد مصرفی خانوار هستند که در شاخص قیمت محاسبه می شوند. علاوه بر این، در محاسبه تورم، تاثیر تغییر قیمت همه کالاها بر بودجه خانوارها و شاخص نهایی یکسان نیست. این نیز دلیل دیگری است که به هر کالا بر اساس میزان اهمیت و مصرف آن وزنی اختصاص داده می شود.

در محاسبه شاخص قیمت مصرف کننده، ضریب اهمیت هر کالا برابر با نسبت هزینه ای که خانوارها برای خرید آن کالا پرداخت می کنند به کل هزینه های مصرفی خانوار است.



پس از محاسبه شاخص قیمت مصرف کننده، انواع نرخ تورم بر اساس دوره زمانی محاسبه می شود. این دوره می تواند بازه های زمانی متفاوتی را در بر بگیرد. سه نوع نرخ تورم توسط مرکز آمار، محاسبه و گزارش می شود که تفاوت در بازه زمانی مورد بررسی است که در ادامه مرور می شوند:

۱. نرخ تورم ماهانه: این نرخ نشان می دهد سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در یک اقتصاد، نسبت به ماه قبل، چه میزان تغییر کرده است.

۲. نرخ تورم نقطه به نقطه: این نرخ برای بررسی تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده در یک ماه مشخص، نسبت به ماه مشابه سال قبل استفاده می شود.

۳. نرخ تورم سالانه: این شاخص، تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده را در دوازده ماه اخیر، نسبت به دوازده ماه مشابه در سال قبل اندازه گیری می کند.

جعبه ۳- کاهش تورم در برابر کاهش سطح عمومی قیمت ها

تورم در هر سه روش محاسبه یعنی سالانه، نقطه به نقطه و ماهانه، سرعت تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده را نیز نشان می دهد. زمانی که نرخ تورم، مثبت و روند آن صعودی باشد، یعنی شاخص قیمت مصرف کننده با سرعت بیشتری نسبت به قبل، در حال افزایش است. در مقابل، زمانی که نرخ تورم، مثبت ولی روند آن نزولی باشد، یعنی شاخص قیمت مصرف کننده با اینکه نسبت به دوره قبل افزایش داشته است اما این افزایش، با سرعت کمتری نسبت به دوره قبل، رخ داده است. فقط زمانی که نرخ تورم، منفی شود می توان گفت سطح عمومی قیمت ها کاهش یافته است.

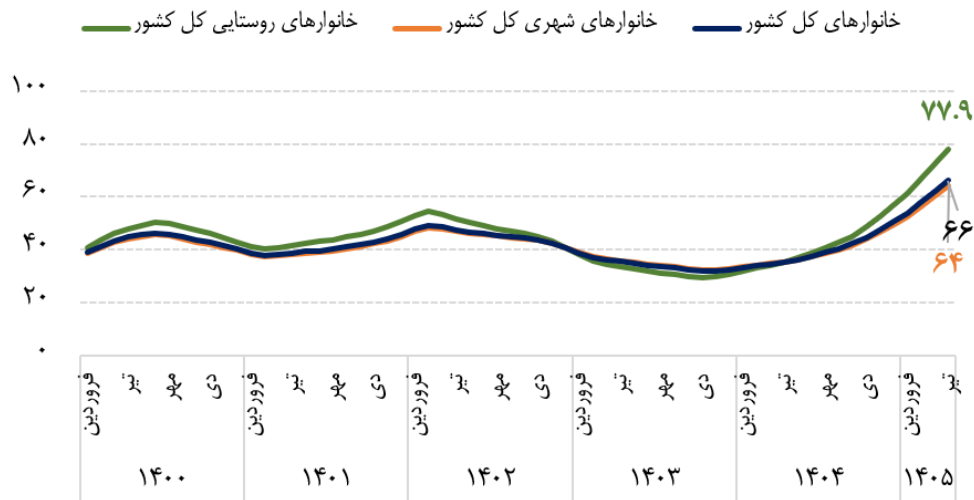
۵- بررسی روندهای تورم

۵-۱- نرخ تورم سالانه

بررسی داده های نرخ تورم سالانه در نمودار ۴ از فروردین ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۵ نشان می دهد سطح عمومی قیمت ها پس از یک دوره کاهش در سال ۱۴۰۳، از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ روند افزایشی به خود گرفت و در تیر ۱۴۰۵، نرخ تورم سالانه خانوارهای کل کشور به ۶۶ درصد رسید. مقایسه مناطق مختلف نشان می دهد خانوارهای روستایی با نرخ تورم ۷۷.۹ درصدی، سطح بالاتری از تورم را نسبت به خانوارهای شهری با نرخ ۶۴ درصد تجربه کرده اند.



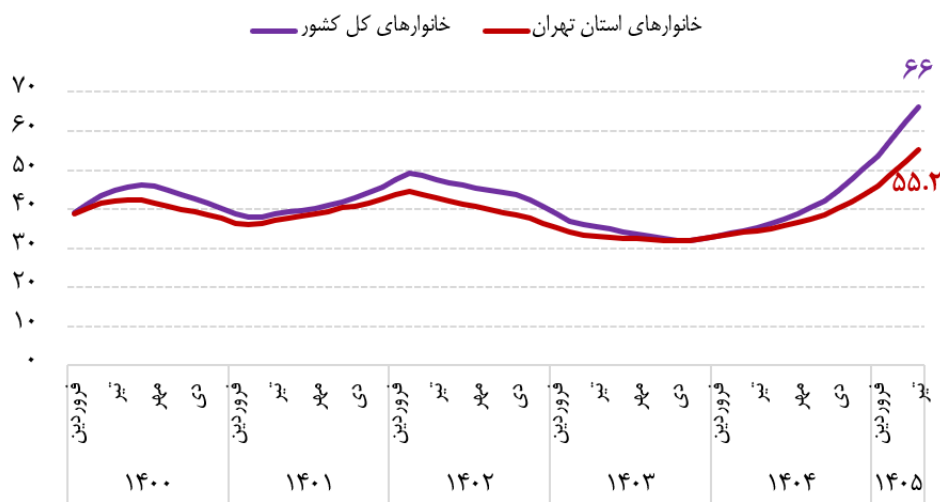
نمودار ۴- نرخ تورم سالانه کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

مقایسه نرخ تورم سالانه خانوارهای کل کشور و خانوارهای استان تهران در نمودار ۵ یک شکاف نسبتاً پایدار را نشان می‌دهد. تغییرات سطح قیمت‌ها در استان تهران همواره در سطحی پایین‌تر از میانگین کل کشور قرار داشته است. در تیر ۱۴۰۵، نرخ تورم سالانه خانوارهای استان تهران ۵۵.۲ درصد بوده که ۱۰.۸ واحد درصد کمتر از نرخ ۶۶ درصدی خانوارهای کل کشور است.

نمودار ۵- مقایسه نرخ تورم سالانه کل کشور و استان تهران بر حسب درصد



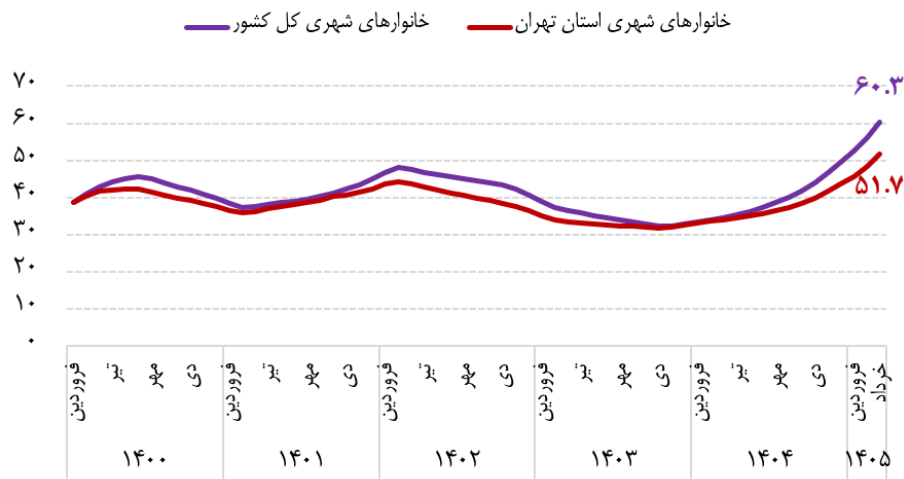
منبع: مرکز آمار ایران

با محدود کردن دامنه تحلیل به مناطق شهری، روند مشابهی در تفاوت نرخ تورم استان تهران و کل کشور در نمودار ۶ قابل مشاهده است و تورم سالانه در خانوارهای شهری کل کشور بالاتر از خانوارهای شهری ساکن در استان تهران



بوده است. در خرداد ۱۴۰۵، نرخ تورم خانوارهای شهری کل کشور ۶۰.۳ درصد بوده است. در حالی که این شاخص برای خانوارهای شهری استان تهران با اختلاف ۸.۶ واحد درصدی، ۵۱.۷ درصد را نشان می‌دهد.

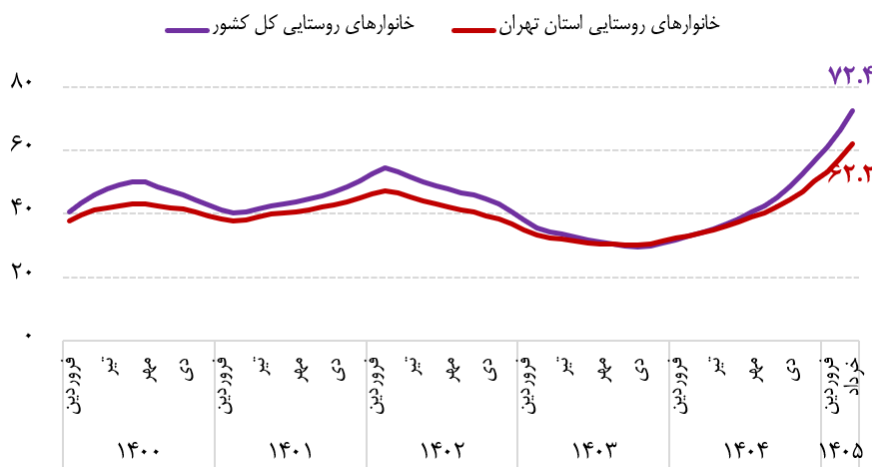
نمودار ۶- مقایسه نرخ تورم سالانه خانوارهای شهری کشور و استان تهران بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

بررسی داده‌های مربوط به مناطق روستایی در نمودار ۷ نیز تاییدکننده الگوی مشاهده‌شده در سایر بخش‌هاست. در بازه مورد بررسی، نرخ تورم سالانه در خانوارهای روستایی کل کشور همواره بالاتر از خانوارهای روستایی استان تهران بوده است. در خرداد ۱۴۰۵، تورم مناطق روستایی کل کشور به ۷۲.۴ درصد رسیده است در صورتی که نرخ تورم برای خانوارهای روستایی استان تهران برابر با ۶۲.۲ درصد بوده است. بنابراین اختلاف ۱۰.۲ واحد درصدی بین تورم روستایی کل کشور و مناطق روستایی تهران در خرداد ۱۴۰۵ وجود داشته است.

نمودار ۷- مقایسه نرخ تورم سالانه خانوارهای روستایی کشور و استان تهران بر حسب درصد



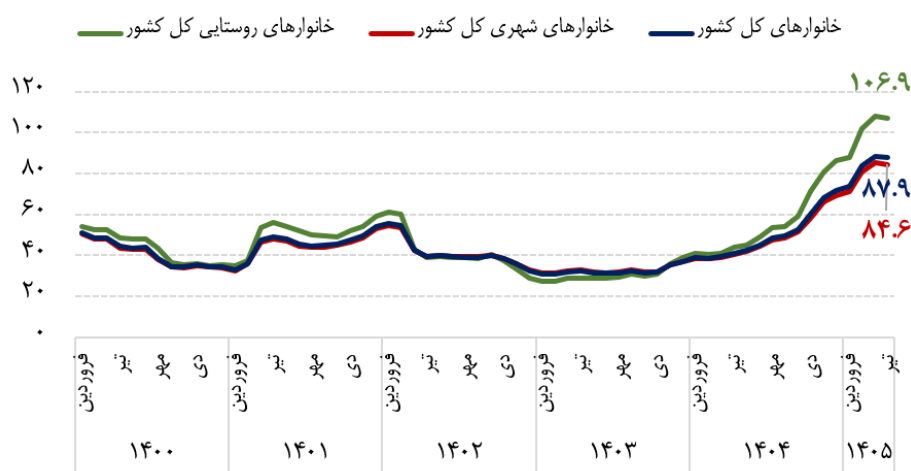
منبع: مرکز آمار ایران



۲-۵- نرخ تورم نقطه به نقطه

بررسی داده‌های نرخ تورم نقطه به نقطه از فروردین ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۵ در نمودار ۸ نشان می‌دهد این شاخص از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ روند افزایشی به خود گرفته است. در تیر ۱۴۰۵، نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کل کشور به عدد ۸۷.۹ درصد رسید. بررسی تفکیکی مناطق نشان می‌دهد خانوارهای روستایی با نرخ تورم ۱۰۶.۹ درصدی در سطح بالاتری نسبت به خانوارهای شهری با نرخ ۸۴.۶ درصد قرار گرفته‌اند و برای سومین ماه متوالی، تورم سه رقمی را تجربه کردند. سطح عمومی قیمت‌ها در مناطق روستایی افزایش بیشتری را نسبت به مناطق شهری تجربه کرده است.

نمودار ۸- نرخ تورم نقطه به نقطه کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد

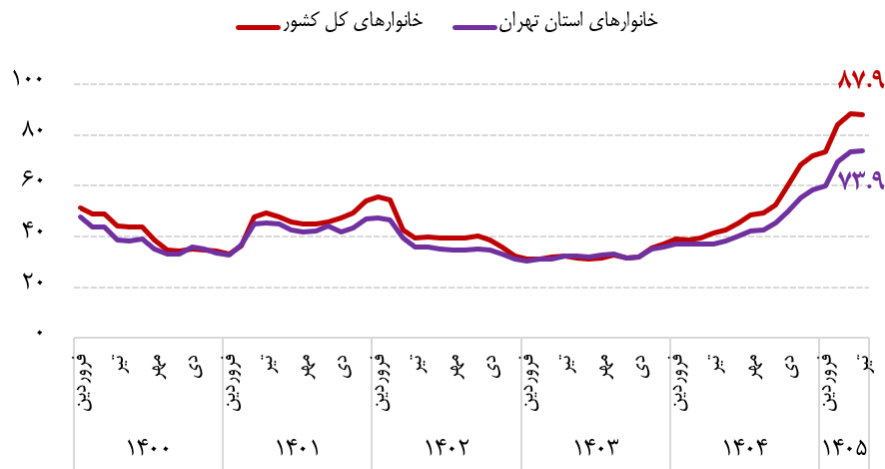


منبع: مرکز آمار ایران

مقایسه نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کل کشور و خانوارهای استان تهران در نمودار ۹ نشان‌دهنده شکاف بین این دو منطقه در طول دوره مورد بررسی است تغییرات نقطه به نقطه شاخص قیمت مصرف‌کننده در استان تهران همواره پایین‌تر از میانگین کل کشور بوده است. در خرداد ۱۴۰۵، نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای استان تهران ۷۳.۳ درصد بوده است که در مقایسه با نرخ ۸۸.۶ درصدی خانوارهای کل کشور، نشان‌دهنده اختلاف ۱۵.۳ واحد درصدی است.



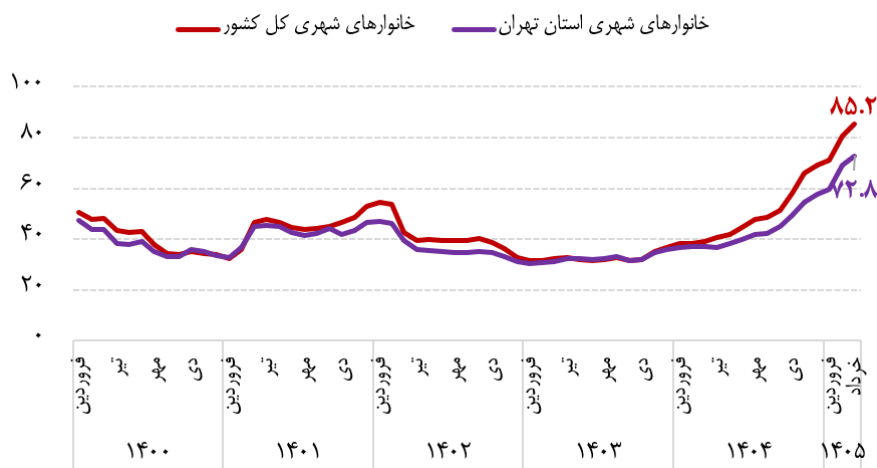
نمودار ۹- مقایسه نرخ تورم نقطه به نقطه کل کشور و استان تهران بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

در بررسی مناطق شهری در نمودار ۱۰ نیز الگوی مشابهی از تفاوت میان نرخ تورم استان تهران و میانگین کل کشور مشاهده می‌شود. تورم نقطه به نقطه در خانوارهای شهری کل کشور همواره در سطحی بالاتر از خانوارهای شهری استان تهران قرار داشته است. در خرداد ۱۴۰۵، نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای شهری کل کشور ۸۵.۲ درصد بوده است، در حالی که این شاخص برای خانوارهای شهری استان تهران ۷۲.۸ درصد را نشان می‌دهد که حاکی از اختلاف ۱۲.۴ واحد درصدی در مناطق شهری کل کشور و استان تهران است.

نمودار ۱۰- مقایسه نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای شهری کشور و استان تهران بر حسب درصد

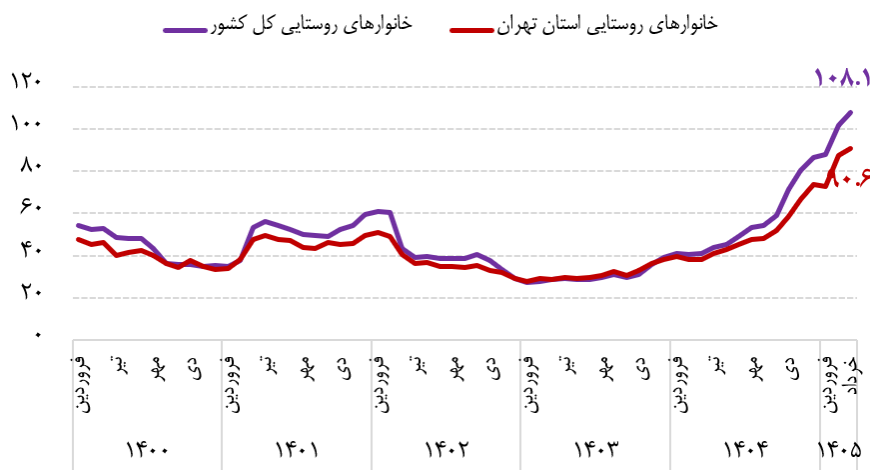


منبع: مرکز آمار ایران



بررسی داده‌های مربوط به خانوارهای روستایی نیز در نمودار ۱۱ الگو و اختلاف مشابهی را در نرخ تورم نقطه به نقطه نشان می‌دهد. در بازه زمانی بررسی شده، نرخ تورم نقطه به نقطه در خانوارهای روستایی کل کشور همواره بالاتر از خانوارهای روستایی استان تهران بوده است. بر اساس آمارهای خرداد ۱۴۰۵، تورم مناطق روستایی کل کشور به ۱۰۸.۱ درصد رسیده است در صورتی که این نرخ برای خانوارهای روستایی استان تهران برابر با ۹۰.۶ درصد بوده است. مقایسه این دو، نشان‌دهنده اختلاف ۱۷.۵ واحد درصدی بین تورم نقطه به نقطه روستایی کل کشور و مناطق روستایی تهران است.

نمودار ۱۱- مقایسه نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای روستایی کشور و استان تهران بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

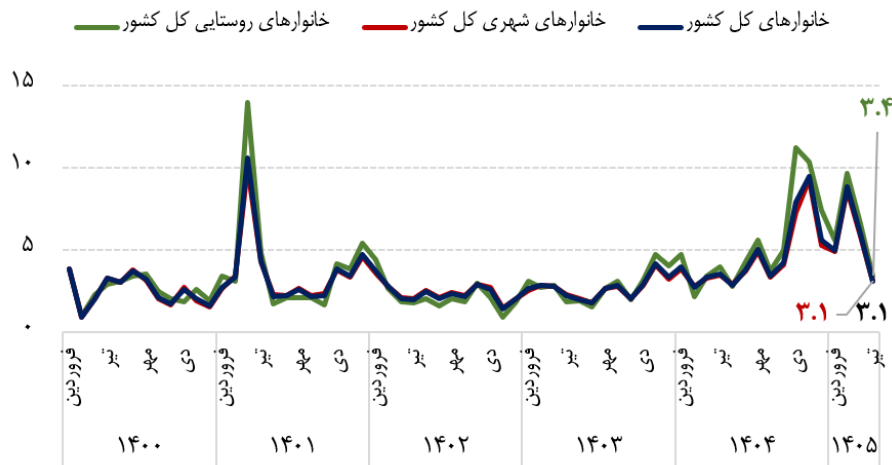
۳-۵- تورم ماهانه

بررسی داده‌های نرخ تورم ماهانه از فروردین ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۵ در نمودار ۱۲ نشان می‌دهد این شاخص در طول دوره مورد بررسی نوسان‌های زیادی تجربه کرده است اما روند کلی ۵ ساله آن، با شیب ملایمی تا اواخر سال ۱۴۰۴ و با شیب تندتری از دی ۱۴۰۴ به بعد صعودی بوده است.

نرخ تورم ماهانه خانوارهای کل کشور در خرداد ۱۴۰۵ به ۳.۱ درصد رسیده است. بررسی تفکیکی مناطق حاکی از آن است که در این مقطع، نرخ تورم خانوارهای روستایی با ماهانه ۳.۴ درصد، در سطح بالاتری نسبت به خانوارهای شهری با نرخ ۳.۱ درصد قرار گرفته است.



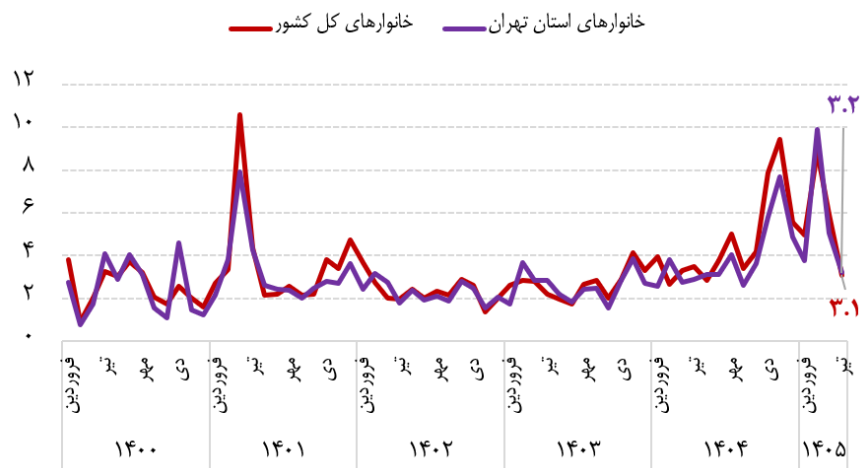
نمودار ۱۲- نرخ ماهانه کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

مقایسه نرخ تورم ماهانه خانوارهای کل کشور و خانوارهای استان تهران در نمودار ۱۳ نشان دهنده تفاوت در سرعت رشد ماهانه قیمت‌ها است. در پایان دوره بررسی یعنی تیر ۱۴۰۵، نرخ تورم ماهانه خانوارهای استان تهران برابر با ۳.۲ درصد بوده است. این رقم در مقایسه با نرخ ۳.۱ درصدی خانوارهای کل کشور، نشان دهنده اختلاف ۰.۱ واحد درصدی است که نشان می‌دهد میانگین رشد ماهانه قیمت‌ها در استان تهران اندکی بیشتر از میانگین کل کشور بوده است.

نمودار ۱۳- مقایسه نرخ تورم ماهانه کل کشور و استان تهران بر حسب درصد



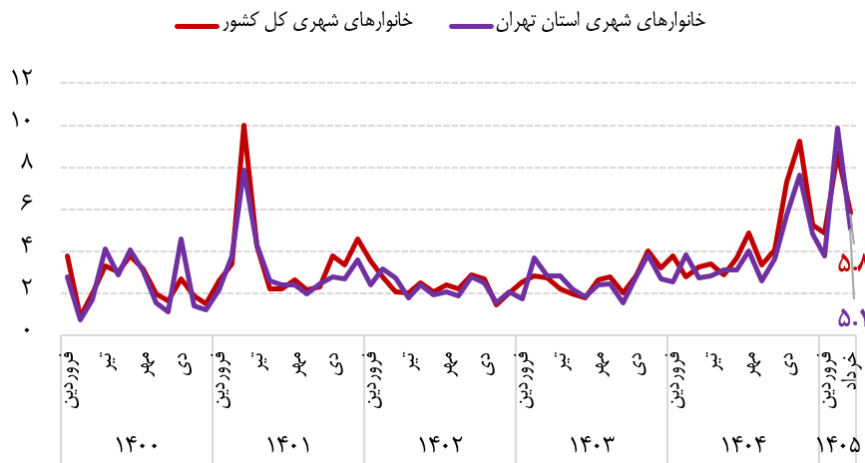
منبع: مرکز آمار ایران

با تمرکز بر مناطق شهری در نمودار ۱۴ الگوی دیگری از اختلاف تورم ماهانه کل کشور و استان تهران مشاهده می‌شود. نرخ تورم ماهانه خانوارهای شهری کل کشور در خرداد ۱۴۰۵ برابر با ۵.۸ درصد بوده است. در مقابل، این شاخص



برای خانوارهای شهری استان تهران عدد ۵.۱ درصد را نشان می دهد. مقایسه این دو، حاکی از اختلاف ۰.۷ واحد درصدی بین مناطق شهری کل کشور و مناطق شهری تهران است.

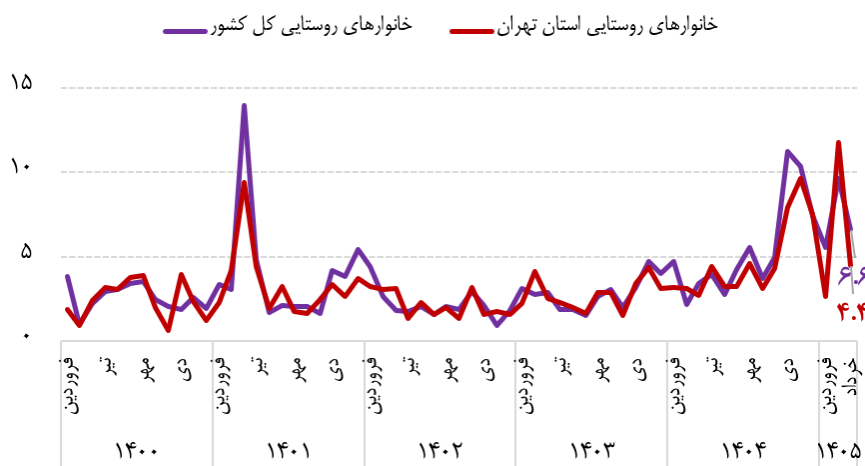
نمودار ۱۴ - مقایسه نرخ تورم ماهانه خانوارهای شهری کشور و استان تهران بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

در مناطق روستایی در نمودار ۱۵ نیز تفاوت آماری بین نرخ تورم ماهانه کل کشور و استان تهران مشاهده می شود. بر اساس آمارهای خرداد ۱۴۰۵، تورم ماهانه خانوارهای روستایی کل کشور ۶.۶ درصد بوده و نرخ تورم خانوارهای روستایی استان تهران ۴.۴ درصد بوده است. بنابراین اختلاف ۲.۲ واحد درصدی بین نرخ تورم ماهانه مناطق روستایی کل کشور و مناطق روستایی تهران وجود دارد.

نمودار ۱۵ - مقایسه نرخ تورم ماهانه خانوارهای روستایی کشور و استان تهران بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران



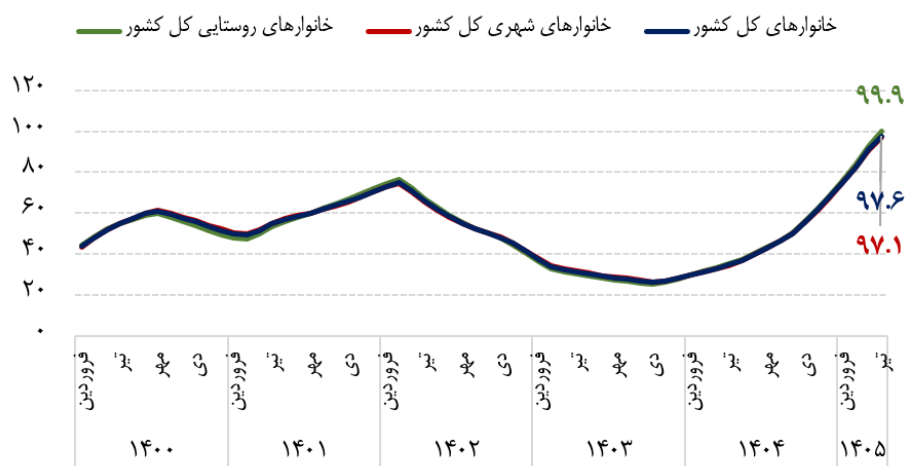
۶- بررسی تورم گروه‌های اصلی

۶-۱- گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات

بررسی داده‌های نرخ تورم سالانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در نمودار ۱۶ از فروردین ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۵ نشان می‌دهد این شاخص پس از یک دوره روند کاهشی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، مجدداً از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ صعودی شد. بر اساس آمار تیر ۱۴۰۵، نرخ تورم سالانه خوراکی‌ها برای خانوارهای کل کشور به عدد ۹۷٫۶ درصد رسیده است. در بررسی تفکیکی مناطق، خانوارهای روستایی با نرخ تورم ۹۹٫۹ درصد، سطح بالاتری از افزایش قیمت را نسبت به خانوارهای شهری با نرخ ۹۷٫۱ درصد تجربه کرده‌اند.

نمودار ۱۶- نرخ تورم سالانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» کل کشور به تفکیک مناطق

بر حسب درصد

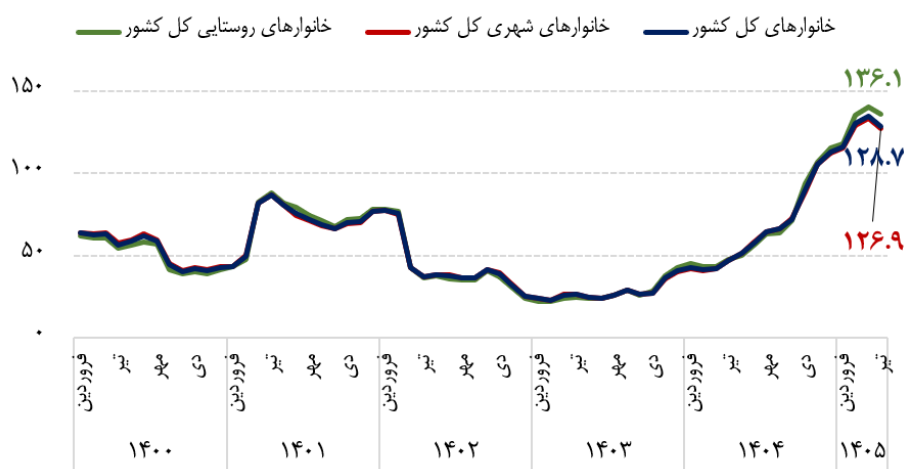


منبع: مرکز آمار ایران

بررسی آمارهای مربوط به نرخ تورم نقطه به نقطه گروه خوراکی‌ها در نمودار ۱۷ نشان‌دهنده یک روند صعودی از اواسط سال ۱۴۰۳ است. در تیر ۱۴۰۵، نرخ تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها برای خانوارهای کل کشور معادل ۱۲۸٫۷ درصد بوده است. مقایسه مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد در این مقطع، خانوارهای روستایی تورم نقطه به نقطه ۱۳۶٫۱ درصدی را تجربه کرده‌اند. این در حالی که این شاخص برای خانوارهای شهری ۱۲۶٫۹ درصد بوده است. بنابراین سطح عمومی اقلام خوراکی، آشامیدنی و دخانیات در تیر ۱۴۰۵ نسبت به ماه مشابه در سال قبل، در مناطق روستایی با شیب بیشتری افزایش یافته است. این ششمین ماه متوالی است که تورم این گروه هم در کل کشور، مناطق شهری و روستای سه رقمی شده است.



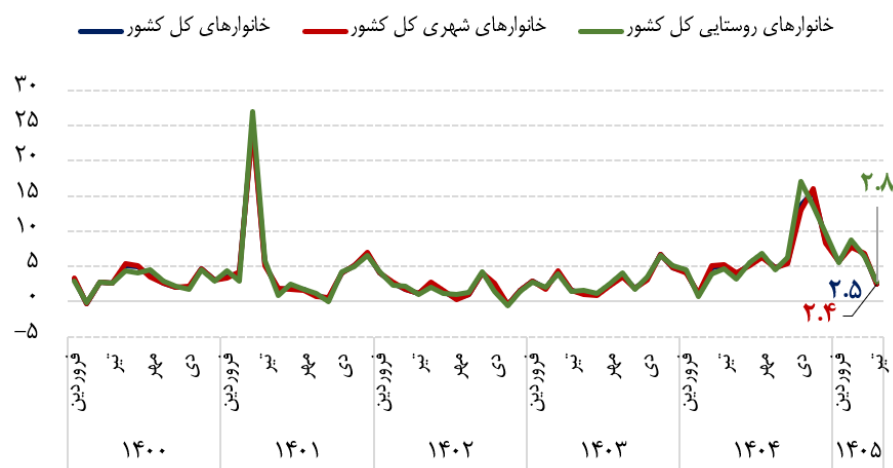
نمودار ۱۷- نرخ تورم نقطه به نقطه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

روند نرخ تورم ماهانه گروه خوراکی‌ها از فروردین ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۵ در نمودار ۱۸ نشان‌دهنده نوسان‌های مقطعی در سرعت رشد قیمت‌ها طی دوره‌های یک‌ماهه است. در تیر ۱۴۰۵، رشد ماهانه قیمت خوراکی‌ها برای خانوارهای کل کشور به ۲.۵ درصد رسید. نرخ تورم خانوارهای شهری با ۲.۴ درصد، در سطح کمتری نسبت به خانوارهای روستایی با نرخ ۲.۸ درصد قرار گرفت.

نمودار ۱۸- نرخ تورم ماهانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد



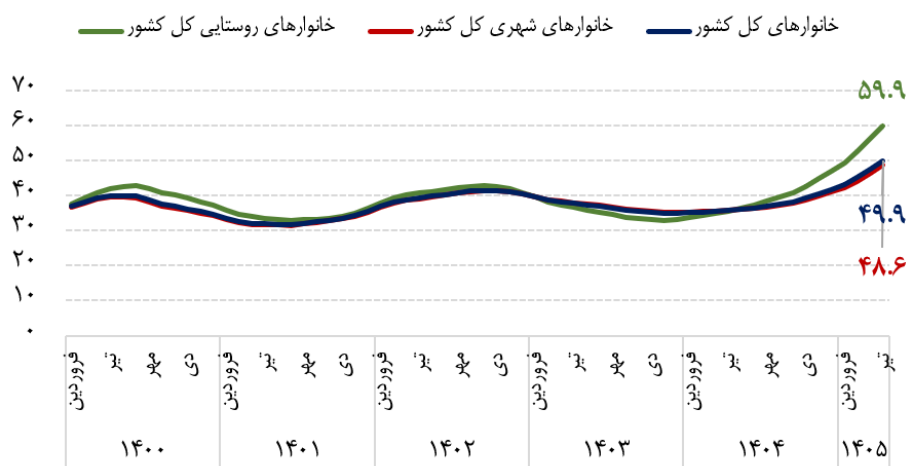
منبع: مرکز آمار ایران



۲-۶- گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات

بررسی داده‌های نرخ تورم سالانه در گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» در نمودار ۱۹ از فروردین ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد این شاخص پس از طی یک روند کاهشی در سال ۱۴۰۳، مجدداً از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ در مسیر افزایشی قرار گرفت. بر اساس آمارهای خرداد ۱۴۰۵، نرخ تورم سالانه غیرخوراکی‌ها برای خانوارهای کل کشور به عدد ۴۷.۵ درصد رسیده است. در مقایسه مناطق، خانوارهای روستایی با نرخ تورم ۵۶.۲ درصد، سطح بالاتری از افزایش قیمت را نسبت به خانوارهای شهری با نرخ ۴۶.۳ درصد تجربه کرده‌اند.

نمودار ۱۹- نرخ تورم سالانه گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» کل کشور به تفکیک مناطق
بر حسب درصد

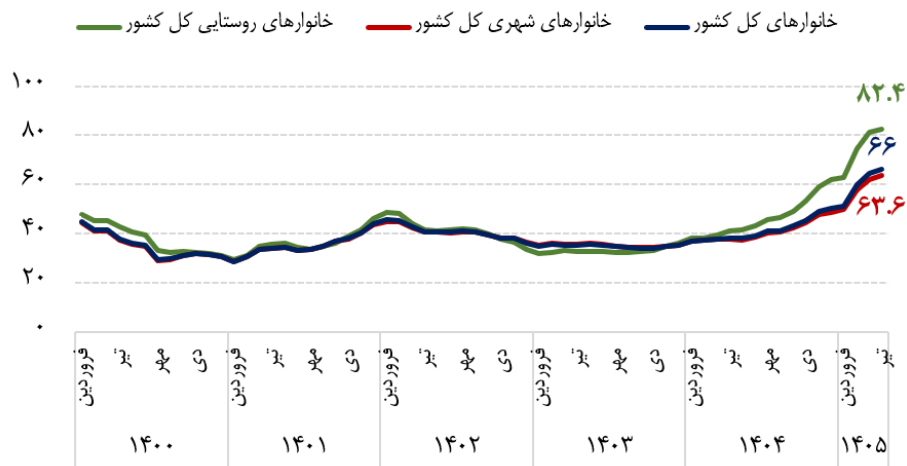


منبع: مرکز آمار ایران

بررسی روند نرخ تورم نقطه به نقطه در گروه غیرخوراکی‌ها و خدمات در نمودار ۲۰ حاکی از یک شیب صعودی از اوایل سال ۱۴۰۴ است. در تیر ۱۴۰۵، نرخ تورم نقطه به نقطه این گروه برای خانوارهای کل کشور ۶۶ درصد بوده است. بررسی به تفکیک مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد در این مقطع، خانوارهای روستایی تورم نقطه به نقطه ۸۲.۴ درصدی را تجربه کرده‌اند، در حالی که این شاخص برای خانوارهای شهری برابر با ۶۳.۶ درصد بوده است.



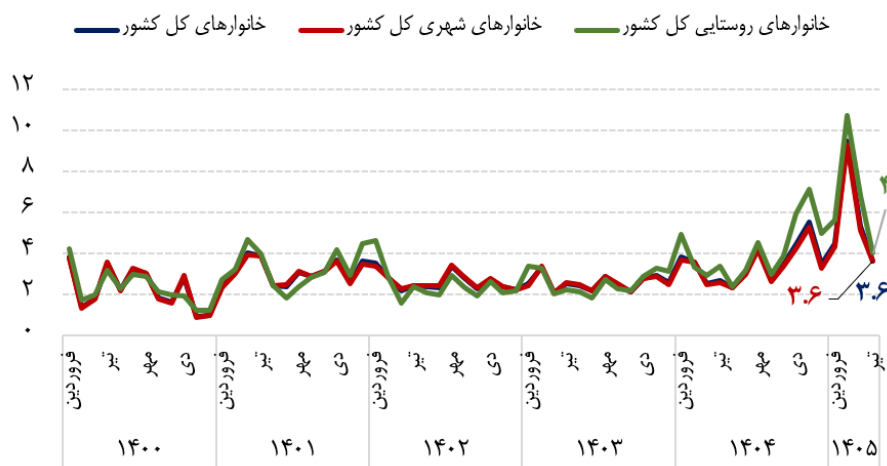
نمودار ۲۰- نرخ تورم نقطه به نقطه گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران

روند نرخ تورم ماهانه گروه کالاهای غیر خوراکی و خدمات از فروردین ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۵ در نمودار ۲۱ نشان دهنده نوسان متعددی در سرعت رشد قیمت‌ها طی دوره‌های یک‌ماهه است. بر اساس داده‌های تیر ۱۴۰۵، میانگین رشد ماهانه قیمت در این گروه برای خانوارهای کل کشور به ۳.۶ درصد رسیده است. بررسی مناطق مختلف، نرخ تورم خانوارهای روستایی با ۴ درصد، در سطح بالاتری نسبت به خانوارهای شهری با ۳.۶ درصد قرار گرفته است.

نمودار ۲۱- نرخ تورم ماهانه گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» کل کشور به تفکیک مناطق بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران



حال پرسش اینجاست که دلیل بیشتر بودن تورم گروه غیر خوراکی و خدمات در مناطق روستایی، بیش از مناطق شهری است؟ آیا این تفاوت، ناشی از تفاوت تورم در زیرگروه‌های کالاهای غیر خوراکی و خدمات است؟

برای پاسخ به این پرسش، تورم سالانه زیرگروه‌های کالاهای غیر خوراکی و خدمات را طی یک سال منتهی به خرداد ۱۴۰۵ در نمودار ۲۲ برای مناطق شهری و در

نمودار ۲۳ در مناطق روستایی مقایسه کردیم. از نظر رتبه و روند، زیرگروه‌ها، طی این بازه زمانی، تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود. نرخ تورم زیرگروه «مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها» در هر دو منطقه در تیر ۱۴۰۴ دومین زیرگروه با تورم بالا بوده و طی یک روند نزولی، در خرداد ۱۴۰۵ کمترین نرخ تورم را در گروه کالاهای غیر خوراکی و خدمات داشته است.

سه گروه «مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها»، «هتل و رستوران» و «حمل و نقل» هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی از رتبه‌های پایین در گروه غیر خوراکی و خدمات طی یک روند صعودی به رتبه‌های بالا رسیده است. با وجود روندهای نسبتاً مشابه، نرخ‌ها در این مناطق با یکدیگر متفاوت است.

همانطور که در جدول ۱ گزارش شده است، تورم سالانه مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها در روستاها با شتاب بیشتری بالا رفته است. در خرداد ۱۴۰۵ نرخ تورم این گروه در مناطق روستایی ۶۹.۳ درصد بوده که ۳.۶ واحد درصد بالاتر از مناطق شهری است. این تفاوت در تیر ۱۴۰۴ فقط یک واحد درصد بوده است.

نرخ تورم گروه هتل و رستوران با سرعت بیشتری در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری رشد کرده است و نرخ تورم سالانه آن با افزایش ۳۲.۶ واحد درصدی از ۳۰.۴ درصد در تیر ۱۴۰۴ به ۶۳ درصد در خرداد ۱۴۰۵ رسیده است. در مقابل، این نرخ در مناطق شهری با افزایش ۲۶.۶ واحد درصدی به ۵۸.۱ درصد رسیده که حاکی از شکاف ۴.۹ واحد درصدی بین مناطق روستایی و شهری است.

کالاهای و خدمات متفرقه بالاترین نرخ تورم غیر خوراکی را در مناطق شهری و در مناطق روستایی در خرداد ۱۴۰۵ به خود اختصاص داده است. با این حال، شتاب رشد آن در روستاها به تندتر بوده است به طوری که نرخ تورم سالانه این گروه در مناطق روستایی به ۸۸.۲ درصد رسیده که ۱۴ واحد درصد بیشتر از نرخ تورم در مناطق شهری یعنی ۷۴.۲ درصد است. همچنین این فاصله تورمی در طول دوره مورد بررسی از ۴ به ۱۴ واحد درصد رسیده است.



مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها نیز با اینکه در خرداد ۱۴۰۵، هر دو منطقه کمترین نرخ تورم سالانه را داشته است، از قام متفاوتی را نشان می‌دهد. تورم سالانه این بخش در مناطق روستایی ۴۲.۴ درصد بوده ۷.۵ واحد درصد بالاتر از مناطق شهری است. بررسی روند ۱۲ ماهه نشان می‌دهد تورم سالانه این بخش در مناطق روستایی با افزایش ملایم ۲.۵ واحد درصدی از ۳۹.۹ درصد در تیر ۱۴۰۴ به ۴۲.۴ درصد در خرداد ۱۴۰۵ رسیده، در حالی که در مناطق شهری روند نزولی را طی کرده و با کاهش ۳.۴ واحد درصدی از ۳۸.۳ درصد به ۳۴.۹ درصد رسیده است.

زیرگروه‌های «آموزش» و «بهداشت و درمان» کمترین شکاف قیمتی را بین شهر و روستا داشته است. علاوه بر این، روند تغییرات نرخ تورم در این دو زیرگروه در مناطق شهری و روستایی، همسو بوده است. در سایر گروه‌ها نیز نرخ تورم سالانه اندک است.

بنابراین می‌توان گفت با اینکه رتبه و روند تغییرات نرخ تورم زیرگروه‌های غیرخوراکی و خدمات در مناطق شهری و روستایی در طول یک سال منتهی به خرداد ۱۴۰۵ همسو بوده است، اما به نظر می‌رسد عامل بالاتر بودن تورم غیر خوراکی در روستاها نسبت به شهرها شکاف گروه‌هایی مانند «کالاها و خدمات متفرقه» و «مسکن و حامل‌های سوختی» است که به ترتیب ۱۴ و ۷.۵ درصد بوده و نرخ‌های بیشتری را در مناطق روستایی نشان می‌دهد.

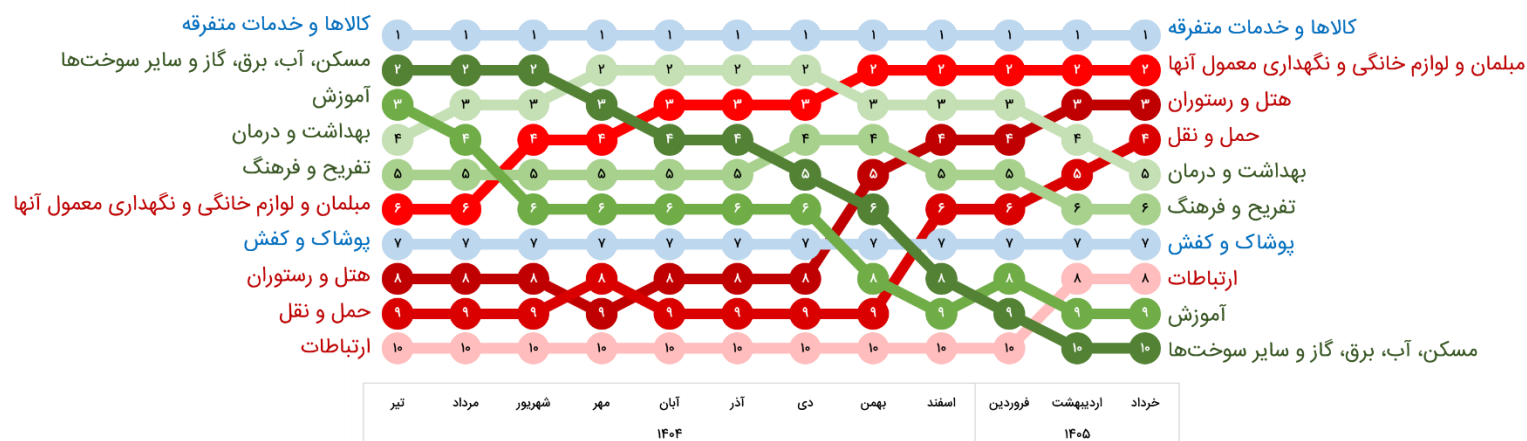
در نتیجه در پاسخ به پرسش مطرح شده می‌توان گفت در بین ۱۰ زیرگروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات، نرخ تورم سالانه خرداد ۱۴۰۵ در مناطق روستایی در ۹ زیرگروه بالاتر از مناطق شهری بوده است. استثنای این موضوع، زیرگروه «آموزش» است که آن هم با اختلاف اندک ۰.۴ واحد درصدی در شهرها بالاتر بوده است. به نظر می‌رسد فارغ از ضرایب اهمیت و وزن متغیر کالاها در محاسبات شاخص قیمت مصرف‌کننده مناطق شهری و روستایی، شتاب رشد قیمت‌ها در روستاها در همه ابعاد غیر خوراکی و خدمات، سریع‌تر از شهرها بوده است و این را می‌توان دلیلی برای چرایی بالاتر بودن تورم کل بخش غیر خوراکی و خدمات در مناطق روستایی دانست.



نمودار ۲۲- رتبه تورم سالانه زیرگروه‌های کالاهای غیر خوراکی و خدمات در مناطق شهری بر حسب درصد



نمودار ۲۳- رتبه تورم سالانه زیرگروه‌های کالاهای غیر خوراکی و خدمات در مناطق روستایی بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران



جدول ۱- نرخ تورم سالانه زیرگروه‌های گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به تفکیک مناطق بر حسب درصد

۱۴۰۴												زیرگروه	
۱۴۰۵			اسفند	بهمن	دی	آذر	آبان	مهر	شهریور	مرداد	تیر		
خرداد	اردیبهشت	فروردین											
۴۹.۸	۴۴.۴	۳۹.۳	۳۶.۰	۳۳.۳	۳۰.۵	۲۸.۰	۲۶.۶	۲۵.۹	۲۴.۹	۲۴.۳	۲۳.۹	ارتباطات	مناطق شهری
۴۴.۱	۴۳.۱	۴۲.۱	۴۱.۳	۴۰.۵	۳۹.۷	۳۸.۷	۳۷.۵	۳۶.۴	۳۵.۱	۳۵.۲	۳۵.۴	آموزش	
۵۶.۵	۵۳.۱	۵۰.۷	۴۸.۹	۴۶.۸	۴۴.۶	۴۲.۴	۴۰.۵	۳۸.۸	۳۷.۱	۳۵.۶	۳۴.۲	بهداشت و درمان	
۵۲.۲	۴۷.۹	۴۴.۴	۴۲.۱	۳۹.۹	۳۷.۹	۳۶.۲	۳۴.۷	۳۳.۶	۳۲.۶	۳۱.۹	۳۱.۵	پوشاک و کفش	
۵۶.۹	۵۲.۰	۴۸.۰	۴۵.۴	۴۳.۰	۴۰.۶	۳۸.۴	۳۶.۴	۳۴.۸	۳۳.۳	۳۲.۱	۳۱.۳	تفریح و فرهنگ	
۵۹.۵	۵۳.۱	۴۷.۰	۴۳.۵	۴۰.۲	۳۷.۱	۳۵.۱	۳۳.۸	۳۲.۷	۳۱.۶	۳۰.۸	۳۰.۴	حمل و نقل	
۷۴.۲	۷۰.۳	۶۶.۱	۶۳.۶	۶۰.۱	۵۶.۵	۵۳.۵	۵۱.۱	۴۹.۱	۴۶.۸	۴۴.۸	۴۳.۲	کالاهای و خدمات متفرقه	
۶۵.۷	۵۹.۴	۵۳.۷	۵۰.۰	۴۶.۶	۴۳.۶	۴۱.۳	۳۹.۲	۳۷.۲	۳۵.۲	۳۳.۴	۳۱.۷	مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها	
۳۴.۹	۳۵.۰	۳۵.۳	۳۵.۶	۳۵.۸	۳۶.۱	۳۶.۴	۳۶.۶	۳۶.۹	۳۷.۳	۳۷.۷	۳۸.۳	مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	
۵۸.۱	۵۲.۴	۴۷.۸	۴۴.۰	۴۰.۵	۳۷.۲	۳۵.۲	۳۳.۹	۳۲.۷	۳۱.۸	۳۱.۵	۳۱.۵	هتل و رستوران	
۵۰.۰	۴۴.۲	۳۸.۹	۳۵.۳	۳۲.۳	۲۹.۳	۲۶.۶	۲۵.۰	۲۴.۲	۲۳.۲	۲۲.۶	۲۲.۳	ارتباطات	مناطق روستایی
۴۳.۷	۴۲.۹	۴۲.۰	۴۱.۳	۴۰.۵	۳۹.۶	۳۸.۷	۳۷.۶	۳۶.۳	۳۵.۴	۳۵.۳	۳۵.۹	آموزش	
۵۸.۸	۵۴.۹	۵۲.۲	۵۰.۲	۴۸.۱	۴۶.۰	۴۳.۹	۴۱.۹	۴۰.۰	۳۸.۲	۳۶.۴	۳۴.۸	بهداشت و درمان	
۵۴.۰	۴۹.۶	۴۶.۰	۴۳.۵	۴۱.۱	۳۸.۸	۳۶.۹	۳۵.۳	۳۴.۰	۳۲.۹	۳۲.۲	۳۱.۷	پوشاک و کفش	
۵۷.۳	۵۲.۵	۴۸.۵	۴۶.۰	۴۳.۷	۴۱.۵	۳۹.۶	۳۸.۰	۳۶.۷	۳۵.۵	۳۴.۶	۳۳.۹	تفریح و فرهنگ	
۶۰.۰	۵۳.۶	۴۷.۴	۴۳.۸	۴۰.۳	۳۷.۰	۳۴.۹	۳۳.۴	۳۲.۲	۳۱.۰	۳۰.۲	۲۹.۵	حمل و نقل	
۸۸.۲	۸۲.۸	۷۷.۰	۷۳.۲	۶۷.۸	۶۳.۵	۵۹.۹	۵۶.۹	۵۴.۶	۵۱.۷	۴۹.۲	۴۷.۲	کالاهای و خدمات متفرقه	
۶۹.۳	۶۲.۳	۵۶.۲	۵۲.۱	۴۸.۵	۴۵.۵	۴۳.۰	۴۰.۸	۳۸.۶	۳۶.۵	۳۴.۶	۳۲.۷	مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها	
۴۲.۴	۴۲.۰	۴۱.۸	۴۱.۷	۴۱.۵	۴۱.۰	۴۰.۶	۴۰.۳	۴۰.۰	۳۹.۹	۳۹.۸	۳۹.۹	مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	
۶۳.۰	۵۶.۷	۵۱.۱	۴۶.۴	۴۲.۲	۳۸.۲	۳۵.۳	۳۳.۵	۳۲.۱	۳۱.۱	۳۰.۶	۳۰.۴	هتل و رستوران	

منبع: مرکز آمار ایران



۷- ضرایب اهمیت و سبد مصرفی دهک‌ها و استان‌ها

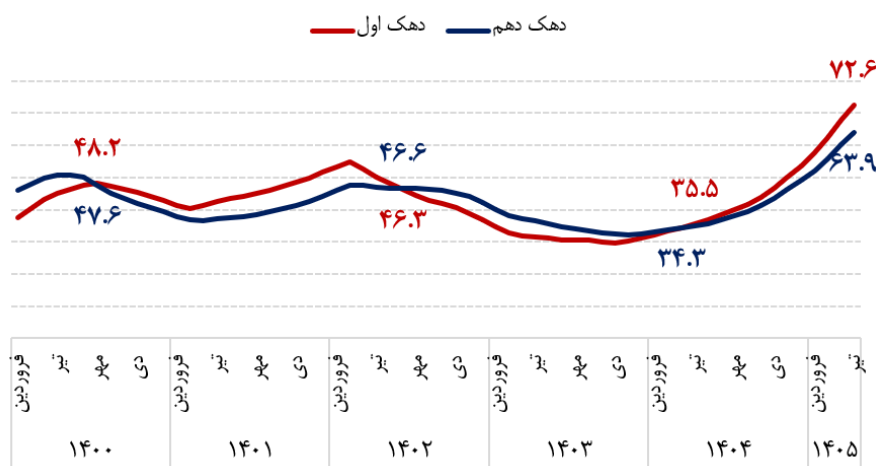
همانطور که گفته شد ضریب اهمیت، نشان دهنده سهم و وزن یک گروه خاص از کالاها یا خدمات در کل سبد مصرف خانوار است. این ضرایب مشخص می‌کنند تورم در هر گروه، با چه وزنی بر سبد مصرف خانوار تأثیر می‌گذارد. ضرایب اهمیت، در هر دوره تغییر سال پایه، تغییر می‌کنند.

جعبه ۴- دهک‌های هزینه‌ای

دهک‌های هزینه‌ای بر اساس تقسیم خانوارها به ۱۰ گروه مساوی از نظر جمعیت ایجاد می‌شوند. به این صورت که خانوارها بر اساس میزان هزینه‌هایشان از کمترین تا بیشترین مرتب شده و در ۱۰ گروه مساوی جمعیتی قرار می‌گیرند. بر این اساس، دهک اول نشان دهنده ۱۰ درصد از کم‌هزینه‌ترین (فقرترین) خانوارهای جامعه و دهک دهم نشان دهنده ۱۰ درصد از پرهزینه‌ترین (ثروتمندترین) آنهاست.

بررسی روند نرخ تورم سالانه کل خانوارهای کشور در نمودار ۲۴ به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای از فروردین ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۵ تفاوت‌های دهک اول یعنی کم‌درآمدترین خانوارها و دهک دهم یعنی پردرآمدترین خانوارها را نشان می‌دهد. روند جابه‌جایی فشار تورمی میان این دو دهک را در طول پنج سال گذشته به چهار دوره قابل تقسیم است.

نمودار ۲۴- نرخ تورم سالانه خانوارهای کل کشور به تفکیک دهک‌های اول و دهم بر حسب درصد



منبع: مرکز آمار ایران



- دوره اول از فروردین تا شهریور ۱۴۰۰ است که در ابتدای آن، نرخ تورم دهک دهم بالاتر از دهک اول بود.
- دوره دوم، دوره انتقال تورمی به دهک اول از مهر ۱۴۰۰ تا آذر ۱۴۰۲ است. از اواخر سال ۱۴۰۰ روند معکوسی آغاز شد و دهک اول تورم بالاتری را نسبت به دهک دهم تجربه کرد. اوج این شکاف در اردیبهشت ۱۴۰۲ بود که نرخ تورم دهک اول ۵۴.۷ درصد بود که حدود ۷.۱ واحد درصد از دهک دهم بیشتر شد.
- دوره سوم، دی ۱۴۰۲ تا اردیبهشت ۱۴۰۴ است که در این بازه، بار دیگر دهک دهم تورم سالانه بالاتری را تجربه کرد و نرخ تورم دهک اول تا ۲۹.۷ درصد در دی ۱۴۰۳ کاهش یافت.
- دوره چهارم نیز جهش تورم دهک اول از خرداد ۱۴۰۴ تا تیر ۱۴۰۵ است. در خرداد ۱۴۰۴ تورم هر دو دهک در حدود ۳۴ تا ۳۵ درصد قرار گرفت اما پس از آن، شتاب تورم دهک اول بیشتر شد به طوری که در تیر ۱۴۰۵ نرخ تورم سالانه دهک اول به ۷۲.۶ درصد رسید که ۸.۷ واحد درصد بالاتر از دهک دهم بوده است.
- در موج‌های جهش تورمی اخیر به‌ویژه از تیر ۱۴۰۴ تا تیر ۱۴۰۵، شتاب تورم به به زیان دهک‌های پایین درآمدی تغییر مسیر داده است.
- حال به موضوع ضرایب اهمیت در دهک‌های درآمدی بازمی‌گردیم. برای بررسی این ضرایب، دهک اول را به نمایندگی از کم‌درآمدترین خانوارها، دهک‌های پنجم و ششم را به نمایندگی از طبقه متوسط و دهک دهم را به نمایندگی از پردرآمدترین خانوارها انتخاب کردیم.
- داده‌های ضرایب اهمیت در تیر ۱۴۰۵ در جدول ۲ برای دهک‌های منتخب نشان‌دهنده یک الگوی رفتاری در سبد مصرفی خانوارها است. بر این اساس با حرکت از دهک‌های پایین و کم‌درآمد به سمت دهک‌های بالا و پردرآمد، سهم گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» از سبد مصرفی کاهش پیدا می‌کند. در حالی که خانوارهای دهک اول یعنی کم‌درآمدترین خانوارها، ۴۲.۴ درصد از کل هزینه مصرفی خود را به تأمین خوراک اختصاص می‌دهند، این نسبت برای دهک دهم یعنی پردرآمدترین خانوارها ۲۱.۶ درصد است. در مقابل، وزن «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» در سبد مصرفی دهک دهم به ۷۸.۴ درصد می‌رسد در حالی که این برای دهک اول ۵۷.۶ درصد است.
- این ساختار هزینه مصرف خانوار نشان می‌دهد جهش قیمتی در بخش مواد غذایی، فشار تورمی بیشتری را بر اقشار کم‌درآمد تحمیل می‌کند اما تورم بخش غیرخوراکی، بیشتر بر سبد مصرف دهک‌های پردرآمد تأثیر می‌گذارد.



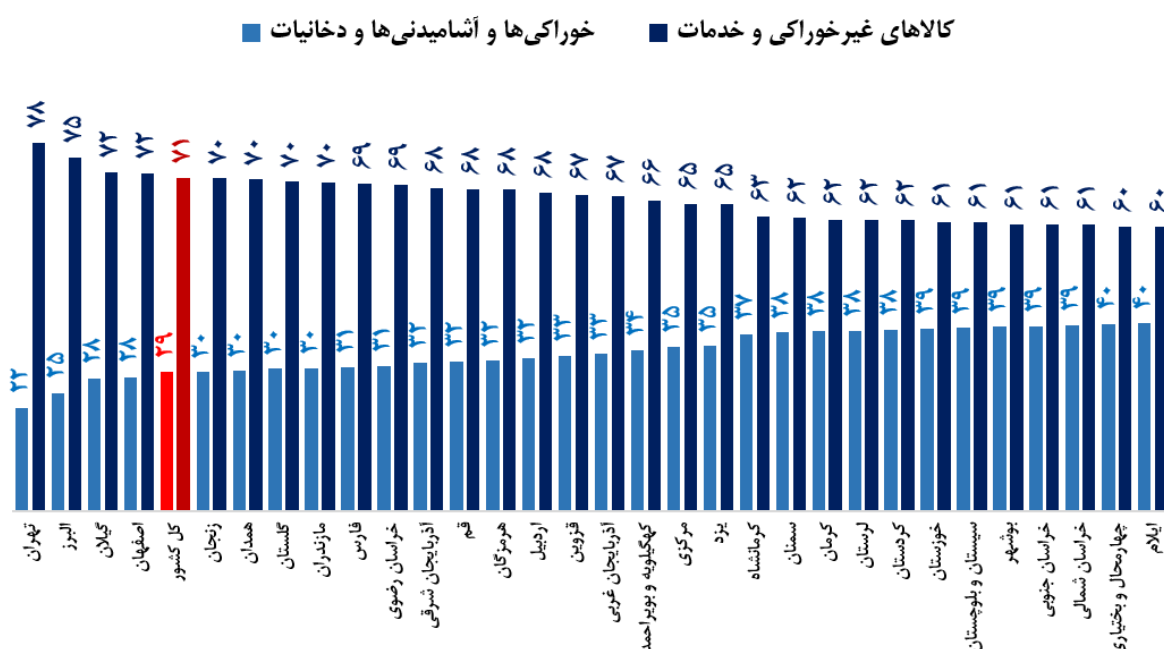
جدول ۲- ضرایب اهمیت گروه‌های اصلی به تفکیک دهک‌های منتخب

گروه‌های کالاها و خدمات	کل کشور	دهک اول	دهک پنجم	دهک ششم	دهک دهم
خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات	۲۹.۴۴	۴۲.۴	۳۷.۲	۳۴.۸	۲۱.۶
کالاهای غیرخوراکی و خدمات	۷۰.۵۶	۵۷.۶	۶۲.۸	۶۵.۲	۷۸.۴

منبع: مرکز آمار ایران

این تفاوت‌ها، در استان‌های کشور نیز وجود دارد. بررسی ضرایب اهمیت به تفکیک استان‌های کشور در نمودار ۲۵ نشان‌دهنده تفاوت در الگوی مصرف است. در استان تهران ضریب اهمیت «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» ۷۸.۰۹ درصد و «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و دخانیات» ۲۱.۹۱ درصد است. در سوی دیگر، استان‌هایی مانند ایلام (با ضریب ۳۹.۸۶ درصد برای خوراکی‌ها)، چهارمحال و بختیاری (۳۹.۶۴ درصد) و خراسان شمالی (۳۹.۳۹ درصد) بالاترین سهم تخصیص بودجه خانوار به اقلام خوراکی را دارند. بنابراین می‌توان گفت حساسیت استان‌های مختلف نسبت به تورم گروه‌های کالایی، یکسان نیست یعنی تورم در گروه خوراکی‌ها، میانگین هزینه‌های خانوار در استان‌هایی با ضریب اهمیت بالاتر برای این گروه را با شدت بیشتری نسبت به استان تهران تحت تاثیر قرار می‌دهد.

نمودار ۲۵- ضرایب اهمیت گروه‌های اصلی به تفکیک استان



منبع: مرکز آمار ایران



در اینجا می‌توان با توجه به تفاوت دهک‌ها در مناطق شهری و روستایی در تخصیص بودجه خانوار به گروه‌های اصلی یعنی خوراکی و دخانی و گروه غیر خوراکی، تفاوت تورم در خانوارهای شهری و روستایی را از زاویه دیگری نیز بررسی کرد.

مقایسه سطح هزینه‌ها در جدول ۳ نشان می‌دهد هزینه‌های خانوارهای روستایی به طور کلی پایین‌تر از خانوارهای شهری است به طوری که متوسط هزینه سالانه یک خانوار روستایی حتی از متوسط هزینه سالانه دهک سوم خانوارهای شهری کمتر است. بنابراین سطح هزینه‌های خانوارهای روستایی به طور متوسط هم‌تراز با سطح هزینه ۳ دهک پایین درآمدی در مناطق شهری است.

علاوه بر این، مقایسه دهک اول مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد هزینه سالانه دهک اول روستایی حدود یک سوم هزینه سالانه دهک اول شهری است که این نسبت، به معنای شکاف معیشتی بین مناطق شهری و روستایی است.

جدول ۳- میانگین هزینه سالانه خانوارها به تفکیک منطقه و دهک در سال ۱۴۰۳ بر حسب میلیون تومان

دهک هزینه‌ای	هزینه کل	خوراکی و دخانی	غیرخوراکی
کل کشور	۲۶۹	۶۴	۲۰۶
دهک اول	۶۸	۲۶	۴۲
دهک دوم	۱۱۸	۳۷	۸۱
دهک سوم	۱۴۸	۴۶	۱۰۲
دهک چهارم	۱۷۷	۵۳	۱۲۴
دهک پنجم	۲۰۴	۵۷	۱۴۸
دهک ششم	۲۳۸	۶۳	۱۷۴
دهک هفتم	۲۷۷	۷۰	۲۰۷
دهک هشتم	۳۲۷	۷۹	۲۴۸
دهک نهم	۴۱۱	۸۸	۳۲۳
دهک دهم	۷۲۶	۱۱۸	۶۰۸
کل کشور	۱۴۵	۵۵	۹۰
دهک اول	۲۴	۱۳	۱۰
دهک دوم	۵۶	۲۶	۳۰
دهک سوم	۷۵	۳۵	۴۰
دهک چهارم	۹۲	۴۱	۵۱
دهک پنجم	۱۱۰	۴۷	۶۳
دهک ششم	۱۲۹	۵۳	۷۶
دهک هفتم	۱۵۲	۶۰	۹۲
دهک هشتم	۱۸۲	۶۸	۱۱۴
دهک نهم	۲۲۹	۸۰	۱۴۹
دهک دهم	۳۹۸	۱۲۴	۲۷۴

منبع: مرکز آمار ایران



۸- پاسخ به چند پرسش

پس از بررسی روندهای تورم در کشور، تورم گروه‌های اصلی و نیز تفاوت‌های سبد مصرفی خانوار در دهک‌های مختلف درآمدی و استان‌های کشور، پاسخ به چند پرسش در خصوص دلایل تفاوت تورم در استان‌ها، اهمیت پیدا می‌کند.

۱. چرا تورم استان‌ها با یکدیگر متفاوت است؟

تفاوت تورم استان‌ها بیش از آنکه ناشی از تفاوت واقعی در میزان تغییرات قیمتی کالاها باشد، ریشه در ساختار متفاوت سبد مصرفی خانوارها در جغرافیای هر استان دارد. دفتر شاخص قیمت‌های مرکز آمار، در گزارش با عنوان «ریشه‌یابی دلایل تفاوت‌های نرخ تورم استانی در ایران» بر اساس داده‌های آماری منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۵، به بررسی این موضوع پرداخته است که چرا نرخ تورم از استانی به استان دیگر متفاوت است و آیا این اختلاف به معنای مدیریت موفق‌تر یا ضعف نظارت در تنظیم بازار استان‌ها است یا خیر؟

این گزارش، «تفاوت در ضرایب اهمیت (وزن) گروه‌های کالایی» را در سبد مصرفی خانوارها، عامل تفاوت نرخ تورم استان‌ها عنوان می‌کند و استدلال می‌کند از آنجا که در دوره مورد بررسی، نرخ تورم گروه مواد غذایی بالاتر از گروه خدمات و کالاهای غیرخوراکی بوده است، استان‌هایی که وابستگی بیشتری به خوراکی‌ها دارند و وزن این گروه در سبدشان سنگین‌تر است، نرخ تورم کل بالاتری را تجربه می‌کنند.

به عنوان یک خلاصه مدیریتی، این گزارش نتیجه می‌گیرد تفاوت نرخ تورم بین استان‌های کشور به معنای گران‌تر شدن واقعی کالاها در یک استان نسبت به استان دیگر یا نشان‌دهنده ضعف عملکرد مدیران در تنظیم بازار نیست و نمی‌توان از نرخ تورم به عنوان معیاری برای قضاوت درباره عملکرد نظارتی مقامات استانی استفاده کرد.

۲. چرا تورم تهران از دیگر استان‌ها کمتر است؟

پایین‌تر بودن نرخ تورم در این استان بیشتر به دلیل دو عامل یعنی «تفاوت در ساختار سبد مصرفی خانوارها» و «تمرکز زیرساخت‌ها و کاهش هزینه‌های جانبی» است. همانطور که گفته شد مرکز آمار ایران دلایل تفاوت‌های نرخ تورم استانی در ایران را بر اساس داده‌های آماری منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۵، بررسی کرده و این تفاوت را ناشی از تفاوت در ضریب اهمیت یا همان وزن گروه‌های کالایی عنوان کرده است.



سبد خرید خانوارهای ساکن تهران با سایر استان‌ها از این جهت تفاوت دارد که سهم گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در سبد هزینه خانوارهای تهرانی کمترین میزان در کل کشور و حدود ۲۱.۹۱ درصد است. در مقابل، تمرکز مطلق بودجه خانوارهای تهرانی بر کالاها و خدمات غیرخوراکی است. بنابراین با اینکه در دوره‌های اخیر، نرخ تورم گروه مواد غذایی بالاتر از گروه خدمات و غیرخوراکی بوده است، تغییرات مواد غذایی تأثیر کمتری بر تورم استان تهران می‌گذارد.

۳. حمل و نقل بر تورم استانی اثر دارد؟

حمل و نقل از مسیر هزینه تمام شده، بر قیمت کالاها اثر می‌گذارد و در نرخ تورم منعکس می‌شود. در پژوهشی با عنوان «پویایی‌های تورم در استان‌های ایران با رویکرد اقتصادسنجی فضایی»، به بررسی این موضوع پرداخته شده است که تورم در استان‌های مختلف ایران چگونه شکل می‌گیرد، آیا تورم استان‌ها بر یکدیگر اثر می‌گذارد و چرا نرخ تورم از یک استان به استان دیگر متفاوت است. این پژوهش تمرکز خود را بر «مجاورت جغرافیایی و اصطکاک تجاری» گذاشته است یعنی استان‌هایی که در همسایگی یکدیگر قرار دارند، به دلیل فاصله فیزیکی کمتر، هزینه‌های حمل و نقل پایین‌تری برای جابه‌جایی کالا دارند و این کاهش هزینه باعث می‌شود گردش کالاها و خدمات بین این استان‌ها با قیمت پایین‌تری انجام شود. این مطالعه نتیجه می‌گیرد تفاوت در هزینه‌های حمل و نقل، یکی از عواملی است که تفاوت نرخ تورم در بین مناطق مختلف کشور را توضیح می‌دهد و اگر کرایه حمل بار به یک استان حاشیه‌ای یا دوردست بالا باشد، تورم در آن استان حتی اگر سلیقه و تقاضای مردم در هر دو استان کاملاً یکسان باشد، در مقایسه با استان‌های مرکزی بیشتر خواهد بود.

در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی اثر افزایش قیمت حمل و نقل بر شاخص قیمت بخش‌های مختلف اقتصادی در ایران»، قیمت کرایه حمل و نقل در سناریوهای مختلفی شبیه‌سازی شده است تا میزان افزایش قیمت کالاها و خدمات در سایر بخش‌های اقتصاد بررسی شود. در این مطالعه، خدمات حمل و نقل فقط یک کالای نهایی برای مصرف‌کننده نیست، بلکه یک «نهاد واسطه‌ای» در نظر گرفته شده است که در فرآیند تولید صنایع دیگر استفاده می‌شود. وقتی هزینه حمل و نقل بالا می‌رود، هزینه رساندن مواد اولیه به کارخانه و محصول نهایی به بازار افزایش پیدا می‌کند و تولیدکنندگان



برای حفظ حاشیه سود خود، این هزینه‌های تحمیل شده را به قیمت نهایی محصول منتقل می‌کنند که این روند منجر به بروز «تورم فشار هزینه» می‌شود.

۹- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی روندهای تورم در سطح کشور نشان می‌دهد جهش نرخ ارز از طریق افزایش هزینه کالاهای واسطه‌ای و نهاده‌های وارداتی، از مسیر فشار هزینه بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر گذاشته است. علاوه بر این، افزایش مخارج دولت و نیز افزایش نقدینگی نیز، دیگر عوامل موثر بر نرخ تورم بوده‌اند.

در سطح استانی، تفاوت در نرخ تورم استان‌ها بیش از آنکه ناشی از عملکرد نظارتی در یک استان در مقایسه با استان دیگر باشد، ناشی از تفاوت در ساختار سبد هزینه‌ای خانوارهاست به طوری که در استان‌های کمتر توسعه‌یافته، ضریب اهمیت و وزن گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات بیش از گروه غیر خوراکی و کالاهاست. با توجه به تورم بالای مواد غذایی در سال‌های گذشته، این استان‌ها تورم بالاتری را تجربه کرده‌اند.

همچنین بررسی تورم به تفکیک گروه‌های درآمدی نشان می‌دهد دهک‌های پایین درآمدی که بخش بیشتری از هزینه‌های خود را صرف گروه خوراکی‌ها می‌کنند، آسیب‌پذیرتر بوده‌اند.

در خصوص مدیریت نرخ تورم در سطح کلان و ملی، لازم است عوامل مؤثر بر آن مدیریت شوند. شاخص‌های پولی از جمله نقدینگی با اعمال سیاست‌های پولی بانک مرکزی و نیز سیاست‌های مالی دولت در خصوص جبران کسری بودجه، می‌توانند بر مدیریت نرخ تورم، اثرگذار باشند. از دیگر این عوامل، مدیریت نرخ ارز است که از طریق فشار هزینه، موجب افزایش نرخ تورم می‌شود.

در سطح استانی و گروه‌های درآمدی، پیشنهاد می‌شود با استفاده از پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، سیاست‌های جبرانی و حمایتی متناسب با استان‌ها و دهک‌های درآمدی، امکان‌سنجی شود. هم‌اکنون بخشی از حمایت‌های دولتی از جمله یارانه و کالا برگ، مبتنی بر دهک‌های درآمدی اما در سطح ملی هستند. این در حالی است که به نظر می‌رسد هدف‌گذاری این سیاست‌ها، با توجه به تفاوت‌های الگوی مصرف خانوار در استان‌های مختلف کشور، می‌تواند متناسب با استان، برنامه‌ریزی شود.



بر این اساس و با توجه به تفاوت‌های استانی و دهکی، پیشنهاد می‌شود حمایت‌های دولتی در گروه‌های درآمدی مختلف و استان‌های کشور، متفاوت باشد. تمرکز بر تامین مستقیم امنیت غذایی دهک‌های اول تا پنجم و گسترش هدفمند پوشش‌های بیمه‌ای و بهداشتی، اثربخشی پایداری در جبران کاهش قدرت خرید خانوارها خواهد داشت.

۱۰- منابع

۱. جلالی نائینی، سیداحمدرضا، و شهید صیقلانی. ۱۴۰۲. «تکانه خارجی، فشار هزینه، و رکود تورمی در اقتصاد ایران». برنامه‌ریزی و بودجه.
۲. دهقان شبانی، زهرا، و نازنین عظیم. ۱۳۹۹. «بررسی اثر افزایش قیمت حمل و نقل بر شاخص قیمت بخش‌های مختلف اقتصادی در ایران». پژوهشنامه حمل و نقل.
۳. رضایی، اسداله. ۱۴۰۵. گزارش تحلیلی: ریشه‌یابی دلایل تفاوت‌های نرخ تورم استانی در ایران. مرکز آمار ایران، دفتر شاخص قیمت‌ها.
۴. کهریزی، زهرا. ۱۳۹۵. «پویایی‌های تورم در استان‌های ایران با رویکرد اقتصادسنجی فضایی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام.
۵. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۵). شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای شهری کشور (فروردین ۱۳۶۱ تا خرداد ۱۴۰۵).
۶. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۵). شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای روستایی کشور (بهار ۱۳۶۱ تا خرداد ۱۴۰۵).
۷. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۵). شاخص قیمت مصرف‌کننده کل خانوارهای کشور (فروردین ۱۳۹۰ تا خرداد ۱۴۰۵).
۸. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۵). شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای (فرودین ۱۳۹۵ تا خرداد ۱۴۰۵).
۹. مرکز آمار ایران (۱۴۰۵) گزارش شاخص قیمت مصرف‌کننده - تیر ۱۴۰۵



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهشی

تهران، خیابان استاد مطهری، پلاک ۲۷۵

صندوق پستی: ۳۸۱۸-۱۵۸۷۵ | شماره: ۱۶-۱۵۸۷۱۳۴۱۵-۰۲۱